

حبل المتین کلکته

مدیکل کالج امپریال بمبئی
HABIBUL MATEEN OFFICE
1, BANGALORE COLLEGE STREET
CALCUTTA

کلیه امور اداره بامدی
کل مؤیدالاسلام است
مردوشنه طبع
سه شنبه توابع میشود
یسوم دوشنبه

۱۶ جمادی الثانی ۱۳۳۰ هجری

مصادف با

۳ جون ۱۹۱۲ میلادی

سنه ۱۳۱۱

مراسلات خصوصی بدون امضای

(معروف اداره درج نمیشود)

۳۰ فراتک - ۱۶ فراتک

روس و ترکستان

۱۰ منات - ۶ منات

(قیمت اشتراک)

سالانه - شش ماهه

هند و برمه

۱۲ روپیه - ۷ روپیه

ایران و افغانستان

۴۰ قران - ۲۵ قران

عمان و مصر

۵ مجیدی - ۳ مجیدی

اروپا و چین

حبل المتین

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و مباحث دینی و فواید مافی بحث میشود
(مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

لا حول ولا قوة الا بالله

در موقی سال بیستم حبل المتین را آغاز مینمایم
که با جهان حسرت زده و قاب افسرده استقلال
و من محبوب خود ما را بموقی آویخته می نامیم و
مذهب مقدس اسلام را از هر طرف بحسرت و
تهاجم مشاهده میکنیم - چه قدر گران جانیم که
باب تحمل این همه مصائب نظیمه را آورده کالبد
خالی نمینماییم. آیا مصائبی که بر مسلمانان در این چند
ماهه اخیر وارد آمده از بدو اسلام وارد آمده
بود. آیا بیاردمان مشهد مقدس. قدمه جبهه بر کر بلا
و نجف و مرقده مطهر نبوی و بیت الله الاعظم
نصیر نمی شود. آیا ثوبهای شرابی که بمرقده مقدس
رضوی و ضریح مطهر علی ابن موسی الرضا علیه آلاف
التحیه والتنا زده شده آرش بر قلب مبارک رسول خدا
صلی الله علیه و آله وارد نیامده است. آیا ذبح اطفال
و قتل زنان و قطعه قطعه نمودن زوار حضرت رضا
در ضریح مطهر در پیشگاه مرقده منور تالی و اوقات
کر بلا نیست؟ آیا ما مسلمانان که آله بشرق اغراض
روس در مشهد مقدس شدند از شامیان و کوفیان
بدتر نیستند؟ یا ایلتی مت قبل هذا و کنت نسباً منیباً

یا صاحب الزمان به ظهورت شتاب کن
عالم ز دست رفت تو یا در رکاب کن
ایم مصدر خدا و وصی محمدی
برخیز زود چهره برون از نقاب کن

ای مایع قضا و قدر معدن دو کون
ای محزون اله تو کشف حجاب کن
نگر به فاسقان که براند داده اند
اسلام را. شها تو بر ایشان عذاب کن
دین را فروختند بدینا هزار حیف
دین دشمنان دین تو شها اجنبان کن
نگر به مردمان خراسان چه کرده اند
یا قائم الائمه تو ز ایشان حساب کن
اندر حریم جد کبارت چه کرده اند
با تیغ خونچکان تو بر ایشان کتاب کن
تاواج و قتل زابر جدت نموده اند
قه شها بگردن ایشان خطب کن
کشتند ز ابراه حرمیت رسا
ای مظهر خدا تو به مشهد شتاب کن
نگر به اهل دین که ز جور و جنای روس
آواره گشته اند تو رحمت اجنبان کن
با حیل و بهانه جو روپاه آمدند
ضمیم صفت شها تو برون سر زعب کن
ناموس مسلمین شده مبروش اشقیبا
رحمی بحال این همه تیغ و شتاب کن
صد ما فساد زابر مسکن بی کفن
در انتقام قتل تو چون بوزاب کن
کشتند پیر و طفل و جوانان اهل دین
رحمی به مسلمین شه طاعت و قرب کن
خشکید جله مایع تمنا هزار حیف
ایشه زلف و مکرمت خود بر آب کن

ز اسان کدروس سوخت دل ما ز درد و غم
 ای مهدر قضا تو دلترا کباب کن
 ی قائم بهنطق وجود تو واجب است
 بر خیز و علی تو بر از اضطراب کن
 سلام شد ز دست شها حافظش تویی
 حکم را ز جانب خود انخاب کن
 برش تو ذوالفقار عی از نیام خویش
 وانگه ز خون خصم زهیرا خضاب کن
 خدمت فرا گرفته بهم ز هر طرف
 نه ز نور طاعت خود آفتاب کن
 از طایر دوس دین بر خوار و زار شد
 و خیز این خریدار خراب کن
 نگذار زین بیس که شور دین حق تباه
 بر رویان روی سیه سد باب کن
 مایه تدبیر که شایا از فراق تو
 در ده ما زومل خودت شهید ناب کن
 با ذوالفقار خودت عدو دین برهلا
 چون مرصعی سدا امکان ذهاب کن
 ز هر لحاظ دین ی ای ولی حق
 خیز ای جناب روح تو را در رکاب کن
 روی زمین ز کدو و ضلالت شده است بر
 از مدد و داد در کامیاب کن
 توفیق خبر ده که رسم من بخدمتت
 من کجا بریے خدا مستجاب کن
 دست دست و سامان تو ای ولی حق
 از خویشی مران به سلامی حساب کن
 سندان بود سلام دون ای شه زهن
 بر آیه خداان خودت انساب کن

چون دوس رویه توب سر حال بست بر مشهد
 و بیع دوس روح لامین در غرش گریبان بین
 نهین نه بدس از عده مرفه نسای
 من ملائکت را دعوت خویش سلطان بین
 هر از توب توب توب توب این جنا کیشان
 هر او را ز خدای سبح سلطان خراسان بین
 لال کن خدای توب توب یک هفته
 ز کینه و توب توب توب ایوان ستوران بین
 از این بی حرمی در حرم زاده مدوسی
 خدا عیبی این توب توب توب موسی ابن عمران بین

بی تخریب دین گشتند جمی جمع از غولان
 یکی عجل سخنگو گشت باقی حزب شیطان بین
 ز دست امتنا رومیه ای احمد مهمل
 حرم ملوای کفر و کعبه اسلام و بران بین
 سه تن از مفتیان را بلم با عور امت دانت
 دو تن فرمان دهان ملا را فرعون و هلمان بین
 سر از خاک نجف یکدم بر آر ای شیر بزدان
 یا در آستان قدس جمی با مسافت بین
 شنبه روز عشر جفت حیدر دخت پیغمبر
 نظر بگشا ز جنت یوسنت در جنت گرگات بین
 نیکویم حسین در کربلا شد کشته خنجر
 و با عباس را اندر کنار آب عطشانت بین
 « ناوت حسن گری گمان نبر از کال آمد
 گاه که توب بر قبر رضا طاعت باران بین »
 خدا را ای امام هشتم ای توبه مهم
 همه انصار و اعوان مستحق نام نیران بین
 سراسر سر کشیک و خده و فراش و دربار
 حضور حضرت بزدان قرین خزی و خدلال بین
 بدور خود تنها اشرف و اعیان ولایت را
 به باطن جنگی ابلیس و ظاهر شکل اسان بین
 کنم گر آشکارا قصه این مأم عظمی
 ز اشک نسه خیز چشم من از گریه ذوقان بین
 زهین بر گشت از حور و ستم ای مهدی قائم
 تو قسط و عدل را چون ماه کنانی بزدان بین
 سپس صبر و تحمل ای امام منعم تانی
 ز روی مرحمت یک لحظه بر حال شعیقان بین
 گر بستند روستا از بی قتال مسافران
 باین بیچارگان یاری ز خیل انگلیسان بین
 ولی الله انظم شیعیان حیران تو سیر گردان
 گروهی مبتلای رنج و قومی را بریشان بین
 قدم بگذار بیرون ای سلیل حیدر منهدر
 فراز مند جم حکمران سالار دیوان بین
 بیا سوی خراسان ای قدر جا کر قضا فرمان
 ز نارنجک مشق گنبد و اطراف ایوان بین
 بین شور نشور از شش جبهه اندر زمین پیدا
 ملائک نیز در هنت آسمان زین غم در افغان بین
 پس از تاراج تاج و تهمت با تومان برای
 حارتهای گوناگون فرون از سد هراران بین

قلم عاجز شد از تحریر هاتف آتش نظمت
 به بر جان ~~بدر جان~~ بر محور و غلمان بین
 طلب فرمود مولای ~~رئی~~ ~~سرخ~~ این کوریت
 که او را در خراسان در سخاوت ممن و قآن بین
 حکایت مختصر با خامه گشتا طبع سرشارم
 جو من گوینده تریخ کتر کس در ایران بین
 تنها ~~کردم~~ از وی تا سراید نیز تاریخی
 به پاسخگشت این مصرع زافان ثبت دیوان بین
 بر آرزو فکر کورت سر رقم کن سال تاریخش
 ز توپ روس بی دین مهتم ارکان ایان بین
 (۱۳۳۰)

مواد ذیل را ۲۷ می سنه ۱۹۱۲

(کمیته مرکزی آل اندیا شیعه کافرین در)

(لکهنو از اکثریت آرا گذرایده است)

ماده اول - قشون روس که بی احترامی و بی
 ادبی نسبت بمقدس مطهر امام غریب علی ابن موسی
 الرضا علیه آلاف التحية والثناء نموده که تمام اقوام
 مهذبۀ دنیا با کمال نفرت در آن می نگرند و تمام
 مسلمانان عالم خاصه فرقه شیعه صدمه عظیم
 رسانیده که برای بیان آن لفظ بافت نمیشود
 از حکومت مهربان خودمان که در حفظ جان و
 مال ما همه گونه اهتمام دارد استمانۀ تلافی میبایم
 که برای بی احترامی مذهبی و ایمانی ما داد روسی
 فرماید و از این گونه حرکات وحشیانه جا برانه
 جلوگیری نماید و اهتمام کند که نقصاناتی که بر
 آفت روضه مطهره وارد آمده تلافی شود و از
 بمباردمان خساره که بر آن گنبد مطهر و ضریح
 مقدس وارد شده تسمیرش را از مرتکبین بخواند
 هر گونه تلافی مافات که ممکن شود نموده رعایای
 وفادار خویش را موقع شکرگذاری بخشد تا اندکی
 تلافی آن صدمات کدابخای ما را پاش پاش ساخته بشود
 ماده دوم - ماده فوق بحضور وزیرهای توسط
 حکومت محلی تقدیم گردد

ماده سوم - چنین تجویز یافته که یازدهم
 ربیع الثانی را برای یادگار این ماتم عظیم جمیع
 مسلمانین در هر مقام که باشند مجالس عزا برپا نمایند
 ماده چهارم - تجویز یافته است که یک مجلس
 عظیم الشانی از جانب کمیته مرکزی آل اندیا شیعه
 کافرین برای ادای مراسم تزیین و اظهار عم و ایم
 در این وقعه اسلام سوز در لکهنو منعقد گردد و
 از جمیع مومنین و انجمن های تحت آل اندیا شیعه
 کافرین خواهش شود که رسم عزاداری را همین
 قسم ادا نمایند

قابل توجه ایرانیان و اروپایان حل و عقد
 (سلطنت ایران)

(خامه سلطنت اسلامی مرا کو)

(یا نتیجه روابط حسنه)

(در حقیقت شرح حال ماست این)

(نمبر ۴)

مسئله مرا کو کشف سرایر نیات اروپائیان و
 حقیقت تمدن اروپا بر عالمان ظاهر داشت حتی بر
 پرویان و آن کسانی که در حقیقت تمدن اروپا شبه
 داشتند رفع اشتباه نمود و مکشف ساخت که
 جنس اروپائی نه معنی شرف امضا میداند و نه بی
 بندی بر معاهدات و مقاولات را لازمه انسانیت
 می شارد و معنی اقوال سیاسيون را چنین ظاهر
 داشتند بای بندی دول معاهدات تا وقتیکه که طرف
 مقابل دارای قوت باشد فرانسویان در مسئله مرا کو دشمنی
 انسانیت و رفع پرستی و خود غرضی را آشکارا
 نمودند. دلائیل می دانند که جنس اروپائی بدون
 استثناء یک ~~نکته~~ را مرکز خاطر داشته و آن
 این است که هر وسیله باشد جلب ثروت به اروپا
 محض اسراحت اروپائیان خواه آن ثروت از طریق
 تجارت حاصل شود یا از راه سیاست و مناب گیری
 و قتل نفوس بی گناهان و ذبح افعال باغوانگری نمایند
 چنانچه بخوبی دیده شده هر مملکت که ثروت طبیعی
 او پیشتر بوده زیادتیر محل توجه جهان اوروب گردیده
 خونها ریخته جانها داده و گرفته سرمایه ها
 صرف نموده تا خویش را بر آن ثروت رسانیده
 قبضه نموده اند چنانچه ترا سوال اگر دارای آب
 همه ثروت معادن طبیعی نبود انگلیسان تا آن پایه
 جافشای در تسمیرش نمی نمودند. برای عارتگری
 و قتل نفوس بی گناه اقوام و ملل شرقیه سیری
 که برای خودشان دارند همتا لفظ توسعه تمدن
 است ایطالی باسم توسعه تمدن زن و بچه بی گناه
 طرابلس را بقتل میرسانند. فرانس خونهای بی گناه
 مرا کوئیان را باسم توسعه تمدن بر ایگان می ریزد
 نتیجه که در این چند ساله اخیر از حرکات جمع
 کارانه اروپائیان ظاهر گردیده همتا احساس شرقیان است
 از حقیقت خیالات غریبان.

پس از اینکه مولی حیض سلطنت مرا کو
 بدست خود ذوق عبودیت فرانه را بگردن خویش
 و تمام افراد مرا کو انداخت اندک اندک مرا کوئیان
 دانستند که ازین و بعد نه تنها سلطنت و آزادی
 از کف شان رفته بلکه دین و عرض و ناموس
 شان هم در بجه فرانسویان نابود خواهد گردید.
 از يك طرف شانت نامه بمولی حیض فرستاده

شد که باید تقب مظالم المسلمین و مبدع الملک بروی تو
گذاشته اند. از طرف دیگر فرانسویان محض اینکه رعب
و هیبت خودشانرا در قلوب مراکویان جای دهند
سای مسخری و ربه تیرا در هر نقطه بر اهالی مراکو
گذاشته اند. ارباب خود بیگانه را بدار زدند متمولین
را گدا ساختند ثروت های اندوخته ارباب بازر
مراکو را به هر پایه و وسیله جلب نمودند. دست
معرض وی عصمتی بناموس ارباب نیرت دراز کردند
نیک اندک بنیوان مجتمع شده اهالی مراکو را به
هیجان آورد. سلطان مسلمانان را گردید بسخری مایندگان
فراسه او را شامت کردند. مولی حلیف خواست از فیض
به ریاض برود فرانسویان مانند فرمانفرما مانع آمدند.
اگر بحقیقت بگیریم امروزه حال مولی حلیف بدتر از
عباسجد مجموع است. چه او در دست قوم خود
اسیر و این در دست حلالان بیگانه

کر که مینجا مسخر شد اهالی مراکو دست از
جانشین مسامدیگر با فرانسوا گردیدند. بدو آفتون
شریفین دست از خدمت کشیده. برخی ها تنگ
و سینه گرفته از ترس و گمراهی گردیدند و اندک
اندک آبرو هيجان و بنوی در شهر بیست تحت هم
نمودار شد. فرانسویان نظر بدست حلیف اروپاییان
سای خشوات و سخری را با اهالی فیض گذاشته
از بیت طرف بحر قزاق سیون فرانک بر اهالی
فیض بیچارگانرا در فشار آوردند. از طرف دیگر
ایران و مرگن فیض را سینه اینکه با بیوانیان
شخصت دارند. سخری زنده آنچه این گردید که
امروزه تمدنک مراکو مسخر شود و اهالی
بمقوق حوامی برآمده. و به خارجیان میگردد که
دست بیجان بمقوق ما دراز نماید ولی فراسه بن
محض اینکه وطن خویش و حیثیات ملی مراکویانرا در
زیر بردگی مسخری مسخری به دشمنان در اخبارات
و تکذبات اشاعه میدهند که مراکویان حکام
مراکو مدعی داده اند و حق بسک این پنهانی است
که از دیوار اروپاییان نسبت به سلامیات داده
و اقدامات سیاسی و حیثیات ملی و وطن پرستی
آنها را به سم سمیات مذهبی حیوه میدهند.
بنام فرانسوا حلیف در شهرهای قبلی نگاشته ایم
بازو دست زور گویی و حق تلفی وارد مراکو
نمودند. سلطنت مراکو را غارت میکنند. چندین مایون
ملت را سیرید و امه حرد میخوانند. بزرگان
آنها را به دار میزنند. اموال آنها را غارت میکنند.
دست تعرض به ارض و ناموس آن بیچارگان
دران میشود. همینکه آن فلبزدگان تحمل نیلورده

مدافع حقوق برمیخیزند فریاد از جرایم اروپا بلند
میشود که مسلمانان مراکو اعلان جهاد برخلاف
نصرایت داده اند و حالانکه اگر اعلان جهاد مذهبی
می خواستند بدند همز ابتدای امر میدادند نه
بعد از این همه صدمات. مسلح است اگر تا این درجه
فتار بمراکویان وارد نمی آمد آن بیچاره ما متحد
شده برمی خواستند. علاوه برین درست باید دقت
نمود قشون دو ملی که از اروپاییان بمقامت جنگ
برخلاف مسلمانان میروند (مثل اینکه دو جنگ عثمانی
و یونان از غالب ملل بطریق دو طالب به تأیید
یونان رفتند) جهاد تهمی نبود؟ نتیجه را باید دید
نه لفظ را. جهاد هاست که امروزه در اقوام
اروپا رائج است نه در مسلمانان. چه میتوان نمود
که قومیت و مذهب توأم است. هر وقت مسلمانان
باسم قومیت برخیزند طبعاً نمیتوانند ترك اصول
مذهب گویند و در حقیقت همین اصول را نصرایت
هم داراست. فقط فرقی که هست لفظ نصب و جهاد
را نصاری بزبان می آورند ولی عملاً بدان کارند اند
بالجمله اگر جنگی دیگر مثله مراکو باین انقلاب
کنونی باقی ماند قطعاً به الجزیره و تونس هم سرایت نموده
شالی افریقا يك شعله آتش خواهد گردید و همین
نکته را روزداناان سیاست از دیرباز منظر بوده
و هستند و خوف آنست که مصر و سودان هم مثل
مراکو و ترابلس و غیره يك پارچه آتش گردد
آنچه معلوم میشود فراسه مراکو را بان ارزانی
که تصور نموده بود حاصل نخواهد کرد و باید
بست که مجدداً در این موقع امان هم بسدا آمده
باسم حفظ حقوق منافع رعایا و تجارت خویش يك
قدمی بالا تر از (اگادیر) بردارد و بعضی تصور
میکنند که در بلوای کنونی دست امان هم شامل
است. اگر چنین باشد باید منتظر نتایج بزرگتر
از این شد.

ما به آواز بلند می گزیم اروپاییان خیلی واقف
بروز سیاسی هستند ولی سلوکیکه نسبت با اقوام
شرقیه اختیار نموده اند بسی خطرناک و منتج نتایج
وخیمه تواند گردید. خوبست که دانایان اروپا
شانه رجال انگلستان ملتفت این نکته شوند
چه شرق امروزی شرق دیروزی نیست حق
و افوریان چین هم بخود آمده از اقدامات سیاسی
دول واقف گردیده اینک سلطنت خویش را جمهوری
ساخته اند صلاح اروپاییان امروزه اینست که بر آنچه
دارند قناعت نموده و به آن رضیکه امروزه اقوام
موجود اند دست زده مسئله سفید پوست و رنگین

اهالی مملکت اقدام در مشروطه شدن ایران نمودند
جز تقلیل ظلم و ترقی مملکت و حصول ثروت برای
رعیت که بدین وسیله مردم مرفه الحال بوده و غیر
از حفظ بیضه اسلام و بقای استقلال ایران و انحصار
سلطنت ایران باسلام غرضی نداشتند

شاهد بر این معنی فصل اول متمم قانون اساسی
است لکن هزارها افسوس و اسف میخوریم که
بخی از آنها که صاحبان دوات مقدسه بودند برای
حصول این مقاصد خیریه سالها خون دل خوردند
تا آخر الامر از جان شیرین خود گذشتند و بواسطه
افساد مفسدین و اغراض مفرصین و حیالت نوع
ایرانیان بتابع این مقصد عظیم نایل نشده و نتوانستند
کشتی شکسته ایران را که در شرف غرق بود از
گرداب هلاکت نجات دهند و بوض آنکه ملت
ایران اتفاق و اغراض شخصی را موقوف نمود
و با نهایت اتفاق و اتحاد با یکدیگر همدست
شده همراهی در اصلاح مملکت و پیشرفت این امر
عظیم که موجب خیر دنیا و آخرت بود نمایند. بر
عکس تمام طبقات مردم از علماء و وزراء و وکلاء
و مشایر و تجار و کسبه و مجاهدین خصوصاً احزاب
سیاسی که خود را مملکت دوست و مشروطه خواه
وافی میدانند اتفاق اتفاق و اعمال غرض شخصی
و تقلب و بدلیت و همراهی از خیالات روس که
نتیجه اش تسلط اجاب و بیاد رفق مملکت بود
نمودند و فی الجمله نتیجه حرکات و اعمال خود را
دیدند که جز قتل نفوس محترمه و تپ اموال و
هتک عرض و ناموس مسلمین و تمام شدن هوای
دوات و فقر و استیصال رعیت و تاراج و انسجار
عموم اهالی چیز دیگر نبود

ای اهل ایران که مملکت را خانه خود میدانید
خاک بر سر شاها یا خانه داری شاها مشروطیت
حقیق و زود بود برای شاها، انسان مستحق
مشروطیت است نه گاو و خرن مشروطیت برای
انسان شایسته است که اگر بفهمند دشمن فی الجمله
در خیال تعدی است خواب و خوراک را بر خود
حرام دانسته و از جن و مال خود گذشته متقاً
در مقام دفع او برآیند نه برای کسانی که دشمن
پرست هستند و مخصوصاً او را دعوت میکنند و مایل
هستند که اختیار جن و مال و عرض ناموس و دین
خود را باو تفویض نمایند. مشروطیت برای ملت
ژاپون شایسته است که چند سال قبل که ژاپون با
روس جنگ میکرد دو بیست نفر دختران ژاپونی از
مدرسه بیرون آمده و بخانه های خود می رفتند دیدند
چند توب در خیابان معطل مانده پرسیدند که این

بوست تقویت ندهند که عاقبت بسیار وخیم ظاهر
میدارد ولو اینکه بواسطه علم و قوت موقتاً غریبان
غالب آیند ولی دبری نخواهد گذشت که این حقد
و کینه در قلوب شرقیان پرورش یافته بموقع خود
از غریبان کینتوزی خواهند کرد. آنچه را که ما
مینویسیم محض همدردی نوع انسان و ترک قصابیهای
وحشیانه غریبان است هیچگونه الزامی نمی توان
بشرقیان داد چه هیچ یک از اقوام شرقیه جمله به
غربیه نمی نمایند بلکه اروپاییان جمله بر آنها کرده میخواهد
همه چیز شایراً برآید دهند در این صورت اگر
اقوام ضعیفه استقامت نکنند چه توانند کرد چه این
مسئله بخوبی ظاهر شده است که به بهادری مردن
یک دفعه و بجات آب بان باید مرد. ازین
نکته به باید غافل ماند. ممکن است همین اقوام ضعیفه
و فتنه بخان آمدند مثل آنکه اهالی اسپانیا به بییه
ایستاده قید عبودیت مسلمانان را از گردن خود
انداختند این اقوام ضعیفه هم چنان بنامند. حبشه
از مرتک فشار ایتالی آزادی یافت. ترانسوال از زامانی
انگلیسان بجان برخاست. اعراب ضرابس از قصابیهای
ایتالی تا - ن ایستاده اند. مراکویان از وحشت کاریهای
فرانسسه بستوه آمده اند و گر چندی این اقدامات
دوام نماید سر مشق روشن برای سایر اقوام شرقیه
هم خواهد گردید چه بزرگان گفته اند

وقت ضرورت چو نماید گریز

دست بگردد سر شمشیر نیز

از خانه جناب مستطاب آقا سید

(محمد رضا الکاشانی سر حضرت آیت الله)

(حاجی سید مصطفی الکاشانی)

(از نجف اشرف)

(بسم الله الرحمن الرحیم)

حاضر شریف عموم آقایان و بزرگان و سایر
طبقات اهالی ایران را بطرف مسظورات ذیل جلب
نموده و این مختصر را مخصوصاً باسان ساده واضح
که نامالذمه باشد عرضه میدارد. اگر چه مطالبی را
که حقیر بعرض میرساند مکرر حجج اسلام و خطبای
مات و مملکت خواهان حقیقی گفتند و نوشتند و
فایده نکرده لکن باز با احتمال آنکه شاید در مبان
هر ار نفر یکتیر متابه گردد تکلیف شرعی مقتضی
است که مضایفه از تنبیه و تفریم بعضی مطالب شود.
اجالا بر ارباب فطانت و درایت واضح است که
مشروطیت موجب آبادی و ترقی مملکت و سبب
تحصیل و تکمیل علوم و صنایع و حصول ثروت
برای اهالی و حفظ استقلال مملکت است و شبهه
نیست که بزرگان از علماء و عقلا که باصرار و میل

توب برای چه آورده و میخواهند چه کنند
 گنبد میخواهند برای جنگ با روس حرکت داده
 ببرد و رفته اند اسب آورده پانجا بسته حرکت
 دهند پس آن دختران بچوش و خروش آمده گنبد
 ما رفته شب و توب دولت راضی اسب پانجا گیسو
 های خود را بنوب صاب بسته که حرارت دهند پس
 اسبها را آورده و بستند و شاه را مطلع از این
 قضیه نمودند فوراً آمده و بابت یک آنرا اظهار
 مرحمت و تمکین فرموده بخانه های خود رفتند

ای این ابراف بدو که شما خواب
 هستید دشمن بدو است و میداند چگونه - تازه
 بپست برای گرفتن ابراف هزارها سادات خود
 را بکشتن داده و قوای حربه صرف ببرد سکه
 پهن و سینه برای انجام مقاصد خود مرتب بود
 که نمود و آن قدر عاقل بود تا انداخته شد مردم
 هر که متد و تابع شاه بودند دو فرقه شدند بد
 از آن قدر عشاق بن و کلا و وزیر و احزاب
 و سیاسی و مجاهدین نمود و این فرق مخالفه کردند
 آنچه کردند تا کار بجائی رسید که ابراف یکی
 ایران و اسلام مشرف باشم جلالت گفت

ای حضرت روسان رزح و حجج اسلام که
 محافظین دین حضرت جبر الود و ابراف اعدایان
 هستید و زعامت شریع بدست شماست و در هر
 بیانات مسلمانان در بیان اسلام میباشد مگر
 خبر از قدر مبارک حضرت ولی عصر روح حسین
 ندارید که هر سادت مرتزق و مروز صافی پشت
 خون گریه بیاورد در ما جناب صاحب شریع را چه
 میدیدید و چگونه در چنان موافق ارم شنیده است
 از مسای عیب و اقدام در حفظ اسلام و جنگ
 اسلامی مویزه نموده و تا زود وقت ناک شده
 سلاح نمودن راس به شک و سر اندی شویید
 رسید روزی که باید بزرگان دین و پیشوایان مسلمان
 اسلام را بیخ کنده و فرس کنید و فقه مشرک
 بوجیه و عقاید حمله اسلامیه و سادات شریع
 و مقام منبع روحانیت و کسب معرفت عیب و کینه
 مظهره و متعده مشرفه و دولت مسلمان را نسیم
 کشیدن صبری بپند و آفتاب دین توب تمام مسلمان
 خانه ابرافان خواب و نامشان را ساجد علم خود
 کردند ای آقایان اگر قبالاً سلاح در تریح
 مات نیست لا اقل نسبت بن عشیر و حباب قلوب
 آنها که احیاء تمکین دفع مانع منحصر باو است
 نموده و اقدام اصلاحات ناحیه و اسباب از زیاد قوای
 دولت فرمائید اگر آنها و عفا و اشخاص صحیح
 هر یکی از بلاد ایران کناره نگیرند و بن چه ر

تو چه بگویند اشخاص بی معنی فاسد مقصدی دور
 نمی شوند ای حضرات رؤسای عشائر و ایلات جنوب
 و شمال ایران که حملات اسلام پسند آباء و اجداد
 شما ها در فتوحات اسلامیه در مصاف بخاربه اهداء
 دین زینت بختی صفحات تواریخ دنیا و سرمایه افتخار
 و شرف و سادات نوع مسلمین بوده و غیرت و
 تعصب اسلامیت آنها هر دقیقه تهذیب اساس دینت
 صاری را می نمود نزدیک شد زمانی که هر یک از

سر افسر های روسی فوج فوج از شما ها را خلع
 سلاح و اسیر و سوق نمود و بجای قبضه شمشیر
 و تفنگ بیاضه بن بدست شما ها بدهند امروز شما ها
 قوای دولت و مات هستید و چشم مسلمان بلکه
 چشم مبارک حضرت امام زمان (ع) بوجود شما ها
 روشن است و شما ها باید ناصر اسلام باشید مگر
 نه عربی اسلام که گوش ساگر بن ملا اعلی را
 از کرده بگوش شما نرسیده است رفت غیرت و
 حریت شما نگذارید زحمت پیغمبر و امیر المؤمنین و
 خوف معصوم حضرت سیدالشهداء علیه السلام که
 برای حفظ اسلام ریخته شده پدید رود و اتفاق و
 تعرض شخصیه را موقوف و با دولت و مات
 همراه شوید و در حفظ مملکت و حفظ اسلام از
 جان و مال و عیال و عیال فرمائید که اسلام امر از جان
 و مال است رهس و انگیزه محبتی بنها ها ندارد
 اگر وعده و امتیازی شما ها طعنه خام نشوید

ای حضرت ملاکین و تجار و کسبه این چه خواب
 نصفت است که شما را گرفته که هر چه خطای
 منت و ممانعت اسلام فریاد میزند بیدار نمی شوید
 بن چه حوائی است که صدای نوبسای شریع و
 توب های گریه روس که ز شریع در خم مال و
 مملکت انداخته شما ها را بیدار نمی کنند با
 یکدیگر متحد و متفق شوید و بحیالات فاسده
 دست از مملکت و اسلام خود بر ندارید و قدر
 این دو نعمت نظمی را بناید و رحمی با اولاد او
 عقب خود کشید آمد روزی که جادر اسیری برای
 نوازیس خود حاضر کرده در مقابل چشم خود
 هان روس و عرض خود را مشاهده نمایند

ای مجاهدین و ای احزاب سیدنی که غالباً احتزای
 ادارات هستید و خود را حامی مات و قوای دولت
 و حافظ مملکت میدانید رسید وقتی که اساس ماتم و
 مات و مسکنت پوشیده و در ایام عید صلیب در
 عقب سر قطار های مسیحیان مانند تلام زر خرید
 در خدمت و ملازمت حاضر شوید حال قدری بخود
 آمده و باقیبت امر را ملاحظه نمایند آنچه خطب و
 اشتباه کردید پس است و آنچه عمداً اعمال غرض

شخصی نموده و بهوای نفس رفتار گردید کافی است. این است هرچه قتل نفوس و تپ اموال و هتک اعراض شد، واقعا روی دوات و ملت را نزد سایر دول و ملل شنید نموده، بلکه از خدماتی که باسلام و مسلمین گردید قلب مبارک حضرت پیغمبر و حضرت ولی عصر علیه السلام را شاد گردید. دوات را که ذلیل و مفروض نمودید و عیبت را که فقیر و بریشان گردید اسلام را که ضعیف و مصحل سنجید و قدر امکان از اشاء منکرات و فسق و فجور مضایفه نمودید و سی نام در کشتی علماء و ذلیل نمودید اهل شرع و دین گردید و تمام قیوب را متعارف و منسجح نمودید و مملکت اسلامی را باد دادید. صدهزار آفرین بقل و اسلامیت و مملکت خواهی شما، انتقاد شما آنست که حضرت روحانیین و رؤسای مذهب میکروب مملکت میباشند و آنها را از میان باید برداشت. لکن بخدا و اولیاء خدا قسم است این مصائب اشتباه است زیرا که امروز قوای دولت بوجود ملت است و اهل ایران مسلمان و مملکت مملکت اسلامی است و شبه نیست که آملت متفق بشوند و فیلسا توجه نمایند امر مشروعیست عجزی و استقلال ایرانست محفوظ نخواهد ماند و تا امور مملکت بر وفق شرع نباشد و مجاهد بازی و شیوع منکرات و عانی بودن آنها موقوف نشود، تصایه ادارات نشود و مصادر امور اشخاص صحیح بفرض متدین نباشند و تقویت از اسلام و اهل شرع نشود ملت با این اساس مقدس همراه نخواهد بود اگر واقعا مسلمات و مملکت خواه هستید دوری رفتار کنید که سموم ملت با شما همراه باشند و الا خود را صاحب مملکت ندانید، و از اینکه شنیده اید یا در حراند دیده اید که ملت ایران را محیب و ملت مظلوم و ملت غیور میگویند و تمام دول باقی اوصاف معرفی شده اید مفروز شده و انتقاد نکنید

ملت ایران نا محیب است ملت ایران ظالم است، ملت ایران بیغیرت است، کدام نا محیبی بالاتر از این است که ملتی اسباب انقلاب و خرابی و فناء مملکت خود را فراهم نماید و کدام ظلم بزرگتر از آنست که ملتی اسباب قتل نفوس ابناء و ض و غارت اموال آنها و اضمحلال دین خود را فراهم سازد و رحم باعقاب خود نکند، و کدام بیغیرتی زیاد تر از آنست که ملتی راضی بنهدی اجانب و رسیدن دست دشمن بناموس او شود و ببیند که روس مسلمین را بدار میزند و زنهای آنها را اسیر میکند و اطفال آنها را میکشد و محزمین را تبعید

میکند مع ذلک ساکت و آرام بنشیند. ای اهل ایران دوزمان استبداد منککت مریض و ضعیف و لاغر بوده بیکن سلاطین سابقه او را در پشت برده بانهکبای خود محفی نموده و در انظار داخله و خارجه او را صحیح المزاج و سالم قوی میدادند، عقلای منککت که ادیان از مرض و ضعفش داشتند بخیال آنکه قوه او را رید نموده وجق و فریض نمایند که بنواند با سایر اقویا و پهلوانها هم سری نماید او را مشروطه کردند. آکن وطن خواهان بیقش مفرض که هر یک خود را ضعیب خالق میدانستند برده از روی او برچیده و عیاجه او برداشته یکی مسیبت داد دیگری اعاله اش نمود یکی سم قاتل باو خورانید تا که در مرض او شدت نمود و فعلا محتضر و مشرف بموت است. ای اعیان ناموس که نمیدانید چه دواتی مناسب این مزاج است برای خدا حالا دیگر رحمی باین مریض نموده و او را بحال خود گذارید شاید بخواست خدا و مدد غیبی از هلاکت نجات یابد. ای ابناء و ض این مادر عزیز چه تقصیر کرده که باید در این حال استعمار باهمال سم ستوران سالدات روس و سه لجر انگلیس شود. ای بیاد دهنگار مملکت و ای مسلمان صورمان اسلامیکه انحر از روح مقدس پیغمبر صلی الله علیه و آله و اشرف از خون مطهر حضرت سیدالشهداء علیه السلام است که آن حضرت خائن را فدای اسلام نمود چه گناه و تقصیر کرده که باید جسد نحیف و قلب ضعیف او را گرفتار جنگال انندی دین نمائید و هر چه انیاس و استغافه کند بدادش نرسید و حقوق عظیمه او را بنمود تن فراموش نمائید. هر چه فریاد میزند که ای یاران و دوستان من ای کسانی که من شما و بدران شما ها را از مقام خفت و ذنات بیک علم حشمت و جلالت رسانیدم و شما ها را از جده خالات و غوایت بصراط مستقیم و تریق رشد و هدایت کشانیدم و بر و بحر عالم را بوسیله برکات خود تسلیم شما ها نمودم و کسانی را که از گرسنگی بخشیش و نباتات حورا ها تعیش می نموده و حانه برای ستر عورت نداشته و آسایش دنیا و آخرت بیکای از آنها مسلوب بود در مدت قبلی کرسپهای اکسره و قسره های قیاسره را در ایران و افغانستان و بلوچستان و هند و سند و ترکستان و خوارزم و عراق و الجزایر و سوریا و مصر و سودان و تونس و مراکش باجمله از حدود چین تا مغرب اندلس را در حیطه تصرف و تحت سلطنت آنها در آوردم چه شده است که خدمات مرا بخودمان فراموش کرده و مرا در این حال نصرت نمیکنید

(مالی انادیکم فلا تحیدونی و ادعوکم فلا تعمرونی
 اتم نیام لم زالت مودتکم عن دینکم)

ای اهل ایران اگر دولت بر حسب اقتضای
 وقت و مصلحت صلح با روس کرده و نائماً تجدید
 روابط نموده بتکلیف دوائی خود عمل نموده، این
 معنی بهیچوجه ربطی باور ساشیه و معادیه و حقوق
 نائنه ملت ندارد، ملت باید بیدار و عاقل باشد و بتکلیف
 اسلامی خود رفتار نموده و صلاح دین و دنیای
 خود را از دست ندهد، ملت باید دارای غرور دینی
 و حسن ملی باشد و حفظ عرض و ناموس خود
 نماید، ملت باید حفظ حقوق خود و اعقاب خود نماید،
 ملت باید حفظ اسلام و استقلال مملکت خود نماید،
 ملت باید در مقام تهیه اسباب ترقیات مملکت و
 تحصیل ثروت و ترویج امتعه داخلی و رفع احتیاج
 خود از خارجه باشد، ملت باید در مقام زیاد نمودن
 قوای دولت باشد، اصلاح مناسبت مملکت با اتحاد عمومی
 و توجه قلبی ملت با دولت است، خاصه رؤسای
 عتبار که آنها قوای دولت و ملت و روح مملکت
 میباشد، اگر قدری تفکر نموده و ملتیت عواقب
 وخیمه شوند و نفاق و شقاق را تبدیل با اتحاد و
 اتفاق نمایند و جداً همراه با مقاصد خیریه دولت
 باشند عنقریب این خانه ویران گاستان و این دولت
 رشک تمام دول خواهد بود، و بعدای بلند
 فضای عالم اسلامیت را اشغال نماید عرضه میدارم
 اتفاق ملت با دولت موجب بقا، اسلام است، اتفاق
 ملت با دولت سبب رفع مناسبت و پیشرفت مقاصد
 است، اتفاق ملت با دولت باعث تکمیل قوای
 دولت و ترقیات مملکت است، اتفاق ملت با دولت
 موجب قطع طمع اجانب است

خوب است بزرگان و عقلای مملکت و رؤسای
 عتبار و سایر اعظام و محترمین ایران برخلاف ما
 سبق رفتار و بر عکس ماضی گفتار فرموده و از
 روی قلب و واقع متحد و متفق شده و چون
 برادران حقیقی با یکدیگر بجوشند و با اصلاحات داخلی
 و کوشند و در موقع انتخاب وکلای مجلس و آنچه‌های
 ایالتی و ولایتی چشم و گوش خود را باز نموده با
 نهایت دقت اشخاص صحیح بفرض انتخاب فرمایند
 و اقدام نام در تاسیس مکاتب و مدارس اسلامی
 در تمام بلاد ایران نمایند که نونهالان وطن و
 اطفال مسلمین مؤدب باداب شرعیه و صاحب عقاید
 حقه اسلامیه شوند، و شایسته است که تجار و ملاکین
 اهتمام فوق العاده نموده مشغول ترتیب کارخانه جات
 و ترویج امنه داخلی از ملبوسات و غیرها شده و
 زودتر ملت خود را از قید فقر و ذلت و احتیاج

بخارجه نجات دهند، ای کاش کسانی که خود را مملکت
 خواه و حامی ملت میدانند نتیجه جنگ خانگی و
 انقلاب مملکت را مشاهده نموده و بعد از این از
 بعضی خیالات منصرف شوند ؟

ای حامیان ونجیران، ونجیران شیر از پنج از شما
 چیزی نبردید زیاده بر این ونجیران را ریج ندهید،
 ای آقایان مصادر امور و اجزای ادارات و ای
 احزاب سیاسی و مجاهدین نفاق تا کی اختلاف تا
 چند برای خدا رحمی باین يك مشت مسلمان ضعیف
 و مملکت خراب بنساید که دیگر چیزی بکسی باقی
 نمانده، از شماها سؤال میکنم در زمان استبداد صغیر
 که عموم ملت باطنی درجه طالب مشروطیت بوده
 و اهل طهران با نهایت جانفشانی همراهی با جنابان
 صمصام السلطنه بختیاری و سپهسالار نمودند چه شد
 که بکلی متضرر و متضرر شدند و تصدیقات فوق العاده
 روس را می بیند مع ذلک ساکت و آرام نشسته اند
 غیر از این است که حرکات شماها سبب انضجار
 مردم شده چرا باید اغلب اهل ایران مستبد شوند
 و بعضی ارتجاعی و بعضی پیر و سیده است رعیت
 روس یا انگلیس یا نمانده با آنها گردند، بعد از آنکه
 حرکات بعضی سبب هرج و مرج در مملکت و بکلی
 سلب امنیت میشود لابد ملت هم در مقام حفظ جان
 و مال و ناموس خود برآمده و پای روس در کار
 می آید، اعتقاد حقیر آنست که ملت ایران با اینکه
 فقیرند و با اینکه نوعاً جاهل و خوانند مع ذلک
 راضی نمی شوند که کفر بر اسلام مسلط و مملکت
 را اجانب تصرف نمایند و اگر از هر جهت امنیت
 داشته باشند و به بیند که در ادارات و محاکم عرفیه
 قانون اسلامی مجری و وزراء و اجزاء ادارات
 اشخاص بیفرض مذهب و شیوع منکرات موقوف است
 البته با این اساس همراه و با دولت متفق و در
 مقام حفظ مملکت و اسلام بذل مال که سهل است
 بذل جان نیز خواهند نمود و الا با این وضع فعلی
 بجه دل خونری همراهی جانی و مالی از دولت نموده
 و بکدام اطمینان در مقام ترتیب کارخانه جات و
 اسباب ترقی و آبادی مملکت بر آیند امید است
 معروضات و نصایح احقر مقبول منابع عامه ملت شده
 و اثر بقلوب نموده و از خواب بیدار شوند، خدایا
 گواه باش که آنچه بمقل قاصر حقیر میرسد از
 نصیحت و ایقان ملت محض خدمت بنام اسلامیت و
 حفظ مملکت مضایقه خودم

(حرره الاحقر الجانی محمد رضا الحسینی)

(ابن المرجوم الحاج سید جعفر)

(الکاشانی قدس سره)

مسلمانان منچوریا

یکی از سیاحتین مصر حالت مسلمانان منچوری را چنین مینویسد، در شهر خاربین (منچوریا) حسب الدعوه امام اسماعیل افندی در (فوده زون) مسجده محله از شهرست رسیدم، تمام مساجد و مدارس مسلمانان را سیر نموده، مساجد آنان مثل سایر مساجد است فقط فرقی که مشاهده می شود در مساجد آنها مناره خاص برای اذان گفتن نیست و نصب نشان هلال هم در مساجد نموده اند مساجد آنها با فروش عمده وغالبه گرانها آواسته و با چراغهای برقی منور است

در مسجد حین دخول بحساب راست مجسمه سنگین اژدری با رنگهای مختلف تعبیه نموده اند و این علامت سلطنتی چین است، و چنان معلوم می شود که از جانب حکومت چین نصب اژدها در مساجد مسلمین جبری است، بطریق عموم مسلمانان منچوری جز جمعه و عیدین سایر ایام در مساجد ادای قریضه نمی نمایند، و جماعت آنان در يك منام از هشتاد افزون بنظر نمی آیند

در ضمن مساجد مسافر خانه که غالباً زاید برده نفر مسافرن بطریق خیرات اطعام می شوند دیده شد، در ایام جمعه و عیدین عمده محتاجین مسافرن محتاج از چهل تجاوز می نماید، اهتمام مسافر خانه بدست يك نفر مسلمان متمول که یا حسن بیت اداره مینماید میباشد، تکمیل ضروریات مسافرن مقیمین مسجد را اهل آن محله ذمه دارند، در پہلوی مسافر خانه حامی هشت پہلو تعمیر شده که مسافرن وغیره در آنها غسل مینمایند، در این حمامها لنگ و خادم و آب گرم همیشه موجود و دروازه آن سدود نمی شود

مکاتب آنها را دیدم، ولی عمارات حمام شان را ظاہر از مکاتب شان یاقم، بتازکی یکی از متمولین مکتبی تاسیس نموده بود بسیار عالی و نسبت بمکاتب دیگر خوشوضع بود، شاگرد این مدرسه کم بود چنانچه موسم سرما از ده افزون نمی شد، تجار و زراعت پیشکان اسلامی در این نواح آن توجهی که می بایست بتعمیر اطفال خود داشته باشند ندارند، چنانچه در این مقام ۳۰۰ خانه آباد است، ولی یکطرفه مطلق از زراعت و تجمل در مکتب موجود

نبود، در سایر مقامات چین هم حالت تعلیمی اسلامیان خوب نیست

(اخبارات اسلامی)

حکومت روسیه در (اورغال و تووغائی) ترکستان ۸۱۰۰۰۰ منات منظور نموده است برای تدارک حفظ صحت مهاجرین و تا امروز روسیه در صنایع شرقی خود چنین عطیه تقدیم نموده بود

سید ادریس یانی بناوتی که نموده بود بحسب نگارش سید عبدالحسن برکانی فعلاً بحال محاصره و از هر طرف تعلق و روابط وی با قبایل اعراب یانی منقطع گردیده است، از قبیله (حرب) ۵۰۰ نفر جوانان مجاهد بطریق دو طب در این محاصره شرکت دارند، ۲۵۰۰۰ نفر برای حمل اطفال اوردو مهیا نموده اند، و آنان تحت امر (شریف فیصل بك مکی) میباشند، سید ادریس در مقام (حیا) محصور و پنج قشون مختلفه او را احاطه کرده اند، سلیمان پاشا والی عصیر، سید امام یحیی یانی، شریف فیصل بك (فرزند شریف مکه) محمد علی پاشا و سعید پاشا حكشرا بر اوردو هلی بچکانه و در تحت امر سعید پاشا ۴ هزار نفر از قبیله (زرانیق) موجود اند

مستر لوقورت در رساله (نوسکی) ریو بو مینویسد که اگر غریبان بخواهند اثرات خود را بر شرقیان محیط دارند نباید بقوه قاهره پیش آیند بلکه بقوه عدل و انصاف و انسانیت بروری میتوان شرقیان را تحت نفوذ آورد - افسوس که در این ایام بعضی از سلطنتهای ضعیف سلاح گرفته بر دول شرقیه می نازد و بوض اینکه حقوق ناته آنها تسلیم شود حق تلفی آنها را مصمم گردیده اند، و چنان نموده اند که دخالت قوی در امور ضعیف از حقوق مسلمه است، و این عقیده تولید نفرت از غریبان در شرقیان نموده است

تلگرافی را جراید مصریه اشاعه داده اند که در جزیره رودس قشون ایتالی که فرود آمده بودند عثمانیان سخت ایستاده و بالغ بر هزار نفر از ایتالی کشته و اسیر کرده اند

دومیدان جنگ طرابلس عید میلاد سلطان را بتاريخ ۲۷ اپریل با کمال شکوه و اجلال ترکان و اعراب طرابلس گرفتند

اعضای اداره بلدیہ ایرکوتسکی (توکنستان روسی) با کثرت رای چنین قرار داده که مدرسه المسلمین شهر را ۱۶۸۰ روبل سالانه تأیید شود و الی شهر این قرار داد را باین شرط منظور میکنند که در این مدرسه زبان روسی بطور لازمی درس داده آید، مسلمانان در این خیالند که برای تسلیم زبان روسی نیز معلم مسلمانان تحصیل نمایند

✽ نقل از روزنامه زاینده رود ✽

(منطبقه اصنهان)

(بی تکلیفی حکام بدبختی ایران)

امروز همه مردم دنیا عزیزند مگر ایران همه مردم دیده دارند جز ایرانی، جان و مال همه کس محترم و در امانست مگر ایرانی، همه مردم سپردند مگر ایرانی، همه مردم از حال یکدیگر با خبرند مگر ایرانی، همه مردم با سایش میخواهند و برهینخیزند مگر ایرانی، همه مردم دل سوز و یاسبان و مری دارند مگر ایرانی، همه اداره های قانونی و حکومت و مأمورین کشوری و لشکری و امنیت دارند مگر ایران، همه ملتها آزادی و استقلال و ثروت و تجارت و صناعت دارند مگر ایران، بدبخت ایرانی، جهنم ایران، اسیر ایرانی، زندان ایران، هر چند ما از حال هموطنان و همدمینان خود خبر نداریم چون در خبر بروی ما بسته است روز نامه و پست و تلگراف و مسافر و فکر و خیال و زبان و قلم و چشم و گوش و کاروان هیچ یک آزاد نیست تا از دور و نزدیک خبری بشنویم و پیش آمد خود را از آن بفهمیم، این قدر میدانیم که آتش بیداد در همه ابراش روشن و ملک و ملت در این آتش می سوزد و فریاد رس نیست، هر چند از هیچ کجا خبر نداریم ولی جاهای دیگر ایران را به اصنهان قیاس میکنیم و معاشه حال هموطنان را میدانیم که امنیت و اوزان و آسایش ندارند، چه با وجود آنکه در اصنهان آقای سردار ظفر حکمران و از جان و مال و ناموس مردم طمع ندارند و در کمال مهربانی با مردم سلوک دارند، ولی برای امنیت راه ها و رسیدن مال التجاره و غله و آذوقه بشهر اصنهان سوار و سپاه لازم است، سوار و سپاه مواجب و علیق اسب میخواهند از چه محلی باید داد؟ مأمورین امتیاز شهر بی مواجب کار نمیکند، بر فرض که شخصی

اولین قافله مجاهدین سنوسی یکم می وارد میدان جنت ضرابس گردید، هزاران اعراب قوی دل با اسلحه و قورخانه زیاد، بیانشند

در تبروک در موقع عید میلاد سلطان محمد خامس رؤسای اعراب و افسران ترکی با یکدیگر بیعت نموده قسم یاد نموده اند که تا آخر قطره خون خود و بقای یک نفر آنها ترک جنت با ابطالی را نگویند

اعراب بحرینی ۴۳ هزار رویه در انجمن اناه جنسکی عثمانی در مصر تقدیم نموده اند و نیز سه هزار رویه بانجمن هلال احمر مصریه داده اند کپتان الماس افندی عبدالله که در قشون مصریه بود و بحرم اینکه اسلحه با جواز اجازه داده به طرف ضرابس ضرب حمل شود از عهده و مقامش تزل خواستند، مشارالیه قبول تزل نموده استعنا از خدمت داده در اردوی ترکی به ترفیع مقام رسید شد و کارهای نمایان در جنت نمود — سردار اردوی عثمانی بصله این خدماتان سینه میجری ترفیع داده ایام خدمات او را در قشون مصر منظور داشته نامش را در دفتر قشون ترکی شام گردانید بموجب تجویز سرواسکاکس دولت عثمانی در شرف و رات و دجله شروع به نظام تقیة اراضی نموده و میگویند برای تکمیل این کار ۵۰ میلیون لیره مصارف در کار است و یک حصه از آن که چهار میلیون لیره مصارف داشته به یک کبابی لندنی امتیاز داده شده است

حکومت بخارا با نهایت سرگرمی شروع بنوسه نمودن راه ها نموده بود، تده راه های شوسه که مد نظر گرفته بودند ۶۳ بوده، ولی علما نمایان شوسه نمودن راه ها را خلاف شرع جلوه دادند، فعلاً این کار ملتوی مانده فقط چند راه را شوسه خواهند کرد — منبأ تصویر شهر به چراغ برق نیز علما نمایان خلاف شرع جلوه میدهند

چند نفر مشولین توکنستان بریاست اسکوتسکی از حکومت بخارا امتیاز حاصل نموده که در امارت بخارا اکثر شهر ها را با راه آهن ملحق به وسط آسیا نمایند، نماینده روس مقیم بخارا نیز بدین امر رضا داده است و عقرب راه آهن در کلیه بخارا دائر خواهد شد

سردار حقوق و مواجب نستانند و نوکرهای شخصی خود را بکارهای ملکی و عمومی بکارند سوران و قزاق داران که برای نظم و امنیت براههای شیراز و کاشان و یزد و بلوکات فرستاده‌اند و امنیت برقرار کرده‌اند حقوق این مأمورین از کجا داده خواهد شد؛ آیا اولیای امور میدانند که اگر مواجب این مأمورین نرسد خود اینها سبب ناامنی خواهند شد، یا دنبال کار خود خواهند رفت؛

در حکومت‌های سابقه مالیه شهر را حکام دست اندازی میکردند و حفظ امنیت هم نمیکردند و مسئولیت هم درکار نبود و در صورت بینظمی حاکم هیچ بهانه نداشت، اما امروز حاکم تصرفی در مالیات ندارد و اهالی از حکومت امنیت میخواهند و غفلت اولیای امور مانع از رسیدن حقوق است بحاکم و مدخل مملکت در مرکز جمع میشود، آیا بجهت مصرف مبرد خدا عالم است و مردم برای چه مالیات میدهند میدانیم، قدیمیان میگفتند که مردم مالیات می دهند برای آنکه جان و مالشان محفوظ باشد، امروز میدانم اولیای امور چه میگویند و در باب امنیت اصحابان چه کار میکنند، آیا امنیت حالیه اصحابان را از ملائکه آسمان میخواهند یا از کسانیکه شکم دارند و نان میخورند؛ پس از اولیای امور میپرسم که آیا اصحابان را هم مانند سایر جاها هرج و مرج میخواهند و خوش ندارند که امنیت برقرار باشد، آیا فراموش کرده‌اند که در حکومت‌های سابقه از پشت شهر يك اردو نمیتوانست بگذرد و امروز قاطبه راهها امنیت و کاروان میگردد و هرگاه مزد و مواجب برای کارکنان نظم و امنیت برقرار نشود یکنقشه بدی پیش خواهد آمد که قلم شکسته ما از بیان و تحریر آن عاجز است

بیدین یا کافر مطلق کبیت

کافر بزبان عربی انکار کننده را گویند این که از کلمه گبر ساخته شده است چه در زبان پارسی (ب) با واو عوض شود مانند گاب و گاو و آب و آو، باین قاعده که گبرگور را گته شود، عرباً گور را گاو و گتند چنان که امروز هم در مالک عنانی و نازستان روس که مذهب سنت و جماعت دارند یازماندگان زردشتیان را گورور گویند و سنیاست منمنصب شیعه ایرانی را هم گاورور خوانند کلمه گاورور

بکاب پارسی را کافر گفتند و کافر چند شعبه دارد، گاهی گویند فلانی کافر است یعنی شیعه دوازده امامی خالص نیست، مانند بعضی ها که در ایران پیدا میشوند و اعتقاد کامل بجهت‌بدین ندارند؛ و گاهی گویند فلانی کافر است یعنی اعتقاد به هیچ پیغمبر ندارد مانند حکیم افلاکون که مردم میگفتند شا ایمان بمسیح یا یورید ولی من احتیاج ندارم، زیرا هرچه میگوید من بعلم و عقل خودم میدانم؛

علما هم گفته‌اند پیغمبر دو جور است یکی پیغمبر باطن که عقل است یعنی هر کس عقل او پیغمبر او است که فرمان خدا را برای او میگوید، دیگری به پیغمبر ظاهر که یکنفر آدم است و پیام خدا را برای يك ملت یا برای همه مردم میگوید. حکیمان یونان کافر بودند، پیغمبر باطن که عقل است ایمان داشتند اما کسیکه فرمان عقل و خدا را هم نمیرد بیدین و کافر مطلق است از هر ملت و داخل هر مذهب که باشد مانند ستمگران، زیرا که ظلم را هیچ پیغمبر و هیچ عقل خوب نداند، پس ظالم که حکم پیغمبر ظاهر و رسول باطن هیچیک را اطاعت نمیکند ایمان بخدا ندارد، متلاً انبار کردن گندم یا جو یا چیز دیگر که مردم بآن احتیاج دارند حرام و گناه کبیره است، و همه علما گفته‌اند از قول پیغمبر که احتکار حرامست عقل هر عاقل هم حکم میکند که نباید روزی مردم فقیر را حبس کرد که فقرا از گرسنگی بمیرند و کاسبان شباروز جان بکنند و مزد کار خود را بدهند برای يك کف نان و بول همه را انبار دار جمع کنند، پس (انباردار) یا ظالم دیگر کافر مطلق و بی‌دین است، یکباره کارها هست که در اسلام حرام است ولی در دینهای دیگر گناه نیست، یکباره کارها در همه دینها حرام است ولی عاقلان سبب آنرا میدانند که چرا حرام است، پس اگر آن کار را کردند کافر مطلق نیستند، مانند زنا و لواط و شراب خوردن و نماز نکردن و روزه خوردن، پس این کارها هرگاه در اینها خود را گناه کار داند فاسق است اگر گناه کار نداند کافر بر پیغمبران است، ولی ظلم و ستم

را هر عاقل بد میداند و ظلم نمیکند مگر کافر مطلق و بی دین صرف که بهیچ چیز اعتقاد ندارد : و کافر مطلق بدتر و زلزل تر ز تمام اشرار است ، مثل شغال و گرگ و مار و عقرب که بیغیر اکرم و رسول خاتم واجب فرموده است کشتن اینانرا : شاهد مدعی خود نقل کنیم حدیث شریفرا که روایت شده است الحدیث آنچه ظالمان و اهل دنیا عزت و کرامت بدارند و سرمایه افتخارشانند در نظر او باب بصیرت عین خواری و مذلت است ، زیرا که اگر بزرگی کند از جنبی کوچکانست و اگر ساهی کنند از کیمه دیگرانست ، نانی که می خورند از دست رنج درویشانست ، آبی که بنوشند اشک چشم مظلومانست ، و رنگینی خوانشان از خون دل مسکینان است چرب طعامشان از پهلوی لاغر علیانست ، میوه آبدارشان از آبله دست دهقانانست ، نرمی بسزشان از درشتی با خلق خداست ، چقدر خوب ریشت و پهلوی شکسته دلان میزند تا عودی دو بجزشان سوزد ، چقدر بیه چشم ضعیف خلائق را با آتش تند خوئی میکذارند تا چرانی در مجلسشان افروخته شود ، خسیسی چقدر که همت همت برخورد بسئه اند : گدائی چقدر که بر مسند بزرگی نشسته اند ، ایمی چقدر که خودرا کریم دانند ، طماعی چقدر که خودرا حاتم خوانند

(یاد آوری)

ای حجج اسلام ای جانشینان پیغمبر آیا شنیده اید صدای گریه و ناله گدایان و فقیرانرا : آیا میدانید شبانروزی چند نفر در اصفهان از گرسنگی میمیرند آیا دیده اید در کوچه ها چقدر افتاده اند؟ آیا محاضر شریف شما هیچ خاییده است که چرا چنین شده و چاره اش چیست و که یاد چاره کند : آیا جز احتکار و انبار داری سبب دیگر هم برای گران و فحلمی هست : آیا میدانید که جنس غله و ما بحتاج مردم در شریعت مقدسه حرام است؟ آیا شما جانشینان پیغمبر را نیست که از این فحشاء و منکر نمی فرمائید که کرور کرور مسلمانان را کشتگی نمیرند؟ اگر در يك خانه صدای ساز بلند شود شما آن خانه را بر سر صاحبش خراب می فرمائید با آنکه صدای ساز ضرر جانی و مالی

برای کسی ندارد و ناموس کسی را نمیدرد فقط یکی از محرمانست ، آیا هتك ناموس و شرف این همه زن و دختر که در کوچه با تن برهنه و فریاد دل خراش بگوش شما و مردم داخله و خارجه می رسد بدتر و منکرتر از صدای ساز نیست؟ آیا مردن این همه مردم از ظلم انبار داران بدتر صدای ساز گناه ندارد؟ آیا جان و ناموس مسلمانان محرم نیست؟ آیا کشتن مسلمانان از گرسنگی گناه اش زیاد تر از فکلی بستن نیست .

(ای اشراف و اعیان)

شاهک در کالسکه و اسب نشسته میاموی دور باش و خبر دار ملازمان جنابان عالی ملائکه را از عبادت و آدمیان را از راه رفتن باز میدارد آیا هیچ شده است که زیر پای خودرا نگاه کنید : اگر نگاه نکرده اید هیچ میدانید چقدر فقیر در سر راهها ایستاده اند ، اگر دیده اید هیچ خیال کرده اید که چرا این بندگان خدا باین حال افتاده اند؟ اگر این خیال کرده اید دانسته اید اینها قربایان شماها هستند؟ اینها برای شما کار کردند و از دست رنج خود آسایش و عیش و نوش شما را فراهم کردند ، برای خود اندوخته نهادند چون سرمایه کسب برای ایشان نمایند باین حال زار افتادند و شما که دست رنج ایشان را نوش تن و جان فرمودید از جلالت تان و بزرگواری نخواستید هم سر و هم خوراک و هم جامه با این ها باشید ، متاع چین و فرنگ خریدید و رواج دادید بازار کسب فقرا فاسد و کاسد شد بنکبت و زاری و گدائی در سر راه افتادند

(ای تجار سرمایه دار)

آیا میدانید کدام بی اوصاف مسلمانان را باین فقر و پریشانی انداخته ، نتوان گنت همه پریشانی و گدائی ایرانی از شماست ولی شما شریک بزرگ هستید با ظالمانیکه ایرانیان را پریشان و در بدر و ایران را زیر و زبر کرده اند از تجارت شما يك خانه آباد نشد ولی هزارها شهر خراب شد يك دستگاه کارخانه نیاوردید که چند نفر بیکار را بیکار بیکارید ، آیا سهاپها که از یکدیگر میکنند و بر سر سازه رنگین می نشینید بادی از گدایان کوچه میکنند آیا از باب خس و ذکات فقرا و مستحقان تصدق

گیر کوچه و میدان؛ آیا شما را بیشتر دوست دارند که جانفشانی برای مردم میکنی یا مردم روی متقاب را؟ پس صلاح اینست که يك قدری از دولتمندان تعریف و تمجید بویسید و تعارف بنسازید يك قدری هم از کتاب حسین کرد و قدری هم عرفان بیافید و سرش و فرش و آسمان و عالم جبروت و لاهوت و ملکوت را دولای عرفان بیچید تا مردم بخزند و بخوانند و به بسندند و تعریف کنند و بگویند از بس خوب نوشته است هیچکس نمیفهمد (نقل از روزنامه سراج الاخبار منطقه کابل)

صنایع

(ماشین خانه دارالسلطنه کابل)

حضرت خلاق عظیم الشان نوع شریف انسان را لخت و عریان ، ولی با همه ساز و برگ سامان خلق و ایجاد فرموده ، کره زمین را با همه ثروت و سامان ضمیمش باو کرم و احسان فرمود ، عقل سلیم هواس مستقیم وجود توانا دو دست معرفت پیرا را قاید ، و رهبر او مقرر فرموده بر بحر و بر و کوه و جنگل حاکم و مسلطش نمود .

انسان از ابتدای خلقتش به بسی چیزها محتاج و لا علاج خلق گردیده و عقل سلیم عقد اتفاق و اتحاد همدیگر شان را رهنمائی و هدایت نموده و بعضی از آنها بکشف معدن ها و کانی باقیین قماش ها و برخی بکشتن و درودن انواع تخمها و دانه ها و قسمی بانواع و اقسام صنعتها و پیشه ها مشغول شده و هر گونه ما بحتاج زندگانی خود ها را تدارک کرده اند ، و رفته رفته کسب مدنیت کرده و نسبت به تنوع اختراعات با احتیاجات بشر نیز تنوع پیدا کرده صنایع و پیشه وری در اینوقت بدوچه وست و فراخی یافته که عقلم را به گرداب حیرت می اندازد

صنعت های بشر دریا ها را مانند صحرا ها در زیر پای رفتار خود انداخته هوارا چون دریا جولانگاه شناوری خود ساخته ، با طبیعت بجه به بجه آمده هزار ها رقم جواهرات ثروت و توان گری را از سینه حرص دینه اش برون بر آورده مانند قوت بخار يك داهیه عظامی را بخدمتگذاری خود استخدام نموده ، به آنها قناعت نکرده برق

میکنید؟ آیا اگر فقیر را اجیر کردید مزد کار او را درست میدهید؟ آیا فکر میکنید که اگر گدایان بیوسه زیاد شوند آسایش و امنیت از شا خواهد بزیل شد؟ چه بسیار مردم آبرومند که هنوز کنار کوچه نشسته اند ، آیا از فشار گرسنگی چه خواهند کرده آیا طمع در مال شا نخواهند نمود؟

(ای ملاکان و انبار داران)

آیا هرگز دل شا بر فقرا و گدایان سوخته است؟ آیا ناله فقرا در گوش شا خوشتر است با نغمه و سازه آبا مردگان از گرسنگی و برهنگان در کوچه را که می بینید دل شا بر هم نمی آید که خیال کنید و دل سخت خود را راضی نمائید و گندم و جو کهنه بوسیده و موربانه خورده را بقیمت اعلی بفروشید که کمتر فقرا از گرسنگی بمیرند آیا غله چند ساله که در انبار دارید که بعضی بپوک شده و بعضی از نم و نای آسار بوسیده و بهم چسبیده که کالک دار باید بکند خیال دارید بفروشید تا گندم تازه در آن بریزند ، یا برای غله امسال انبارهای دیگر از نو خواهید ساخت ، آبی بندارید که غله هم مشروطه است که فقرا بجان بخرند و نیابند از شا هم غله بجان میخرند و شا بفروشد آیا فرض شا اگر تمام اردن مسلمانان نسبت بس خیانتان چیست ، اگر بول و مداخل می خواهید بکن است بهای يك ترائی يك کار خانه درست آید که هم خودتان مداخل کنید و هم گدایان را بکار وا دارید تا از گرسنگی بمیرد

(ای زاینده رود)

آیا از حبله و انبار داران نمیترسی آیا اگر با شا طرف شوند و دشمنی کنند فقرا طرفدار شا خواهند شد هرگز نخواهند شد ، آیا این همه برای مردم زاری کردی و زجر کشیدی چه نمر دیدی بول آبونه آرا دادند و تیکه حبس و تبعید شدی هیچ گفتند چرا هیچ یادت کردند ، نصهات خوردند ، آیا کاتب میکنی همین فقرا که دلت برای ایشان کبابست اگر روزی در يك جاله پستی سنگ بر سرت نمیزند؟ آیا روزنامه شا بیشتر خریدار دارد یا عروسک بازی حقه باز سر راه آیا شا بیشتر خواهان دارید یا تقال و معرکه

جایک رو را بشاخری خود وا داشته
در هر مدتی که صنایع ترقی کرده نروت و
توانگری زیست و آرایش پروری آن نیز به همین
نسبت و ر تری یافته ، همه ممالک اروپا در وقت
حاضر مانند يك ماشين خانه بسیار بزرگ کره زمین
شمرده میشود که تقریباً بقدر چهل کرور نفوس
موجوده قطعه مذکور از عمده و صنعت گران آن
ماشین خانه دهشت نشانه برقم میرود . همه سکره
زمین در وقت حاضر بصنایع آن ماشین خانه عظیمه
عرض احتیاج میبورد

بعد از قطعه اروپا قطعه امریکا دارالصنایع عالم
گفته میشود . در آسیا چون نظر اندازیم قطعه
ژاپون نیز از صنایع خانه های مکتلی میبایم . ولی
در آسیای وسطی یعنی ایران و خلیفه و بخارا و
افغانستان چون نیک نظر کنیم ماشین خانه مبارک
دارالصنایع کابل را عمده ترین همه آنها می یابیم .
ذات اعلیحضرت شهر بار مکارم آثار معظم
عیوب القلوب ما از ایام شهزادگی سلطنت آمدگی
شاهانه شان تا باین ایام توجه نظر اکبر آن
هیونی را به ترقی صنایع آن حصر فرموده در وقت
حاضر بی صنعت های فواید نای مکتل و نفیسی
از آن حاصل میشود . بنا بر این سراج الاخبار
افغانیه که نیز از محصولات صنایع ماشین خانه مذکور
است برای امداع صنایع کنندگان گرام خود از
آثار صنایعی که در ماشین خانه مبارکه از توجه
ذات اعلیحضرت پادشاه دل آگاه ترقی خواه معظم
ما ساخته میشود بحث و بیان نمودن را لازم دانست
(اسلحه حربیه)

مهمترین معمولات صنایع که از ماشین خانه مبارکه
بروی کار می آید همانا اسلحه قلیبه مانند طوبها
و اسلحه خزینه مانند تفنگ ها و اسلحه جارحه
مانند کریچ ها و حربیه ها میباشد ذاتا اصل مقصد
از تاسیس و بنیاد این ماشین خانه مبارکه
استحضارات آلات حربیه بوده است . ذات اعلیحضرت
خاقان مغفور جنت مکن ضیاءالملت والدین در اوایل
سلطنت خود شان پناه ماشین خانه مذکوره را بوجود
آورده بودند در زمان سید اقوال خاقان مغفور
هیونی شان همیشه در زیر نظارت همین اعلیحضرت

پادشاه معظم مقدس ما که در آت وقت شهزاده
بزرگ سلطنت سنیه افغانستان بودند ماشین خانه
مذکور اظهار فعالیت می نمود و از آن وقت تا بحال
لحظه از فعالیت خودوا نه ایستاده است و روز بروز
ترقی کرده رفته است .

ماشین خانه دارالسلطنه کابل از اسلحه حربیه
این رقم چیزها را بیرون آورده و می آورد
(اسلحه ناربه)

- (۱) - طوبهای جلوی دنباله بر سحرا
- (۲) - طوبهای دنباله بر قاطاری کوئی
- (۳) طوب کلان استحکام و قلعه
- (۴) - طوب زود فیر غرامین | یعنی تفنگ
ماشین دار [دو سه رقم
- (۵) تفنگ نری مار تین رقم پیاده و سواره
- (۶) تفنگ رقم ۳۰۳ بور رقم پیاده و سواره
- (۷) تفنگ رقم بغل بر
- (۸) تفنگ ۵ تکه رقم رساله جانور دار
- (۹) تفنگ ۱۲ تکه
- (۱۰) تفنگ دو میله شکاری

(اسلحه جارحه)

- (۱) کریجهای افسری رقم غلاف برنجی ورقم
غلاف کات خلا و نقره و رقم غلاف آهنی
- (۲) کریجهای رساله - یعنی عکر سواری
- (۳) برجه ها برای تفنگها
- (۴) حربیه های اعلی هر رقم بنام دار بدون پناه
از رقم پیاده و سواره و طوبجی و خنجر ها و
کارد ها و جاقوهای اعلی برای عکر

(جیه خانه)

در باب جیه خانه اول چیزی که در عصر سعادت
حصر اعلیحضرت شاهانه به کمال موفقیت و کامیابی
در میدان ظهورات فعالانه ماشین کارخانه کابل بر
آمده یکی تجربه های (فبوز) است که بنا بر
تشویقات بر مکافات توجهات شاهانه کارگران خود
اولاد وطن آنها به تجربه های بسیار کامل الیاری ساخته
بروی کار آوردند ، دیگر بارود (کاردید) بیود
است که آن هم از فیض توجهات مرام آیات شاهانه
به معرفت عزت مند (محمد رضا بیگ خان) انجینیر

از ده مصالح کار آمد آن هفت مصالح مهمه اساسیه آنرا در دامن های مکملی که در ماشین خانه برای آن ساخته شده، از محصولات ارضیه خود افغانستان بوجود آمده. دو سه مصالح دیگر آن سبی که مینول و رایگان است و همیشه پیدا میشود مانع و محذور ساختن آن نمیکردد، بارود سیاه و توب و تفنگ نیز در کارخانه بارود سازی دولت ساخته میشود، کارطوسهای طوبیهای هر رقم خولهای یک تکه برنجی که با هر یک خول آن بصدا فیر میشود کارطوس تفنگ بنا بر رقم خول ورق و خول کثنت با کارطوس رقم تفنگ ۲۰۲ پور، کارطوس تفنگ بفل بر، کارطوس تفنگ چودنی شکار وغیره

کله های توب از رقم شریفل فولادی و رقم چودنی و غیره - کله های کارطوس تفنگ از رقم مذکور

بطاقی سازی که جاشی بطاقی های کارطوس توب و تفنگ مذکوره را ساخته در بطاقی ها بر میکنند فیوز های برنجی زنده تابه و شیره برای کله های طوبیهای هر رقم، فیوز چوبی برای توب ها و کوله های توب دهن بر که از سالهای سابق به دولت ساخته شده بود

بارود سازی که بارود گارید و بارود نادی ساخته میشود

(صنایع مختلفه)

درفش های نظامی هر رقم از منصب داری و عسکری، بیرقها و عقابها و رایت های فوجی سوار و پیاده و توپخانه، تکه سازی که تکه های نشان عراب و منبر دارد، ریشی های نظامی ساخته میشود

خیمه های هر رقم منصب دار و سایر نظامی و بارگاه و شامیان و چیزی سایه بانها و غیرها وغیره بوت های هر رقم خاصه کلان پای و خوردن پای و رقم فوجی یک کارخانه و ماشین علیحدده دارد موزه های پریمی و دست کش و کیش وغیره اسباب های باجه خانه از ظرف های جنکی و ویشن و دهل و طنبور و جاج وغیره

اسباب جناستک نظامی و اسبابی مشق و تعلیم قواعد و آماج وغیره

کلاه های هر رقم منصب داری و فوجی دور بین های مساحت

اکثریه این کارها بواسطه ماشین های که بنوسط بخار گردش مینماید جاری بوده کار مینماید صنایع که بدوات جاری میباشد دو قسم است اول صنایع که بواسطه ماشین و بخار جاری میباشد که بواسطه بخار که از آتش خانه های انجن ها حاصل میشود ماشین هارا بگردش آورده صنایع که لازم باشد ساخته میشود

صنعت آهنگری که دم مذکور بواسطه بخار است، دودان آن که بواسطه بخار حرکت میکنند قریباً پنج خروار وزن چکش آن خواهد بود

اسبابی که حداد ها آتش کاری میکنند بواسطه حر انفال نیز برودان آورده اسباب میسازد، با وجود آن صنعت حدادی بدست نیز در کارخانه جاری میباشد

صنعت نجاری که بواسطه اره های کلان که بواسطه بخار گردش مینماید چوبها را اوه کرده و بواسطه ماشین ها رنده صاف و صنا نموده اسباب می سازد، با وجود کار ماشین صنعت نجاری دستی نیز جاری است

صنعت سراجی

صنعت حلبی سازی

صنعت برنج کاری

صنعت زرگری

صنعت مسگری

صنعت رنگ مالی گاری ها و موزها و غیره

صنعت نقاشی

صنعت علاقه بندی

صنعت سراجخانه و گداز خانه

صنعت سیم سازی سیم طلا و نقره

صنعت سیم دوزی

صنعت گلایت کاری هر رقم گلایت طلا و نقره

و مس و نکل

صنعت صندوق سازن که صندوقها و بکسهای

آهنی ساخته میشود

صنعت بیت بافی و جمع سازی

صنعت گل سازی که گل های مصنوعی می سازد

صنعت جهاب سنگی و حروف سربی
صنعت زانگو غرافی
صنعت حکاکی از لعل و یاقوت و لاجورد های
افغانستان
صنعت نقش کتی سکاها و غیره
صنعت نجاری میز و چوکی و عراده سازی
صنعت جوراب بافی و دست کش بافی
صنعت شطرنجی بافی
صنعت قلاب بافی
صنعت کانی سازی
صنعت دندان سازی
صنعت نقشه کتی عمارات و ماشین و توب و
تفک

صنعت حجاری از سنگهای معدن افغانستان
از قسم میز و ظروف و زینه تعمیرات حتی دانه
های تسبیح
صنعت چودن ریزی که در کوره های کلان
که بواسطه بخار آتش میشود، چودن را آب
کرده و بواسطه جرثقیل در قالب های اسبابهای
چودنی ماشینها و غیره میریزاند
صنعت جرم گیری که بواسطه بخار و ماشین جرم
های گوی و رزی و گوسنندی و گومیشی و غیره
بمنه می نماید
صنعت سفیده سازی و سفیده رنگ مالی تعمیرات
صنعت شیشه سازی
صنعت اسپرت کتی که برای رنگ مالی و چراغها
و مصالح چاشنی بطاقتی بواسطه ماشین های اسپرت
عرق کشیده میشود
صنعت سوهن چینی که سوهان های کار آمد
دولت را نیز می کند
صنعت کلابتون سازی

کارخانه پشم بافی که اسباب های آن کامل رسیده
و ماشین های آن بسته شده و هنوز جاری نشده
این است که تا اینجا در باب ماشین خانه و صنایعی
که از آن استخراج میشود همین مقدار معلومات
اکتفا ورزیده، دمای خالی از ربای دوام ترقی و
اقبال روز افزونی شوکت و اجلال دولت متبوعه
مقدمه خودمان را در زیر سایه اعلیحضرت پادشاه

تربخواه محبوب القلوب معظم خود از درگاه خلاق
ایل و نهار نیاز میکنیم
افسر بزرگ و کاردار عمومی ماشین خانه های
دارالسلطنه کابل جناب برگد محمد سرور خان
است که از زمان شهزادگی اعلیحضرت والا تا به
حال بروظیفه محوله خود بموافق رضای اعلیحضرت
هایونی صادقانه و پدارانه سی و دوام میورزده
وسر دفتر همه ماشین خانه های دوات علیه افغانستان
میر محمد هاشم خان است که از سادات گرام و
شخص نیک فرجامیست

از درگاه الهی حسن توفیق و صداقت و استقامت
را درباره همه مامورین دولت متبوعه مقدمه خود
استرحام می نمایم

مسلمانان چین

یکی از سیاحتین معروف هندوستان (رای بهادر
سرت چندر داس) در دارجلنگ دو حال مسلمانان
کنونی چین چنین اظهار داشته

از ۱۲۷۵ میلادی رسماً دولت چین مذهب
اسلام را تسلیم نمود و بنام (سن تینگ لیاو) یعنی مذهب
بی آایش و حق نامزد گردید بر حسب تاریخ تبتیان
در همان ایام هجرت یک دوره جدیدی در سلطنت
تبت پیدا شد و تہذیب و تمدن چین به تبت رسید
و تبت دارای قوت گردید قسمیکه شاهنشاه چین
و حکومت های اسلامی مخوف شدند، دو عهد هارون
الرشید سلطنت تبت از یک طرف تا پشت دیوار
چین و از طرف دیگر تا بخارا امتداد داشت.
مورخین چین می نویسند در آن ایام سلطنت عربی
قوت تمام پیدا نموده مکرر بر یونانیان و ایرانیان
فایز آمد و هند و تبت هم از نقطه اثر آنها
خلج نبود، ایرانیان یک نوبت از دولت چین هم
تأید خواستند چنانچه دو بیست هزار نفر چینی بکمک
ایرانیان رفت ولی در مقابل اعراب شکست خوردند
و از همان ایام روابط و تعلقات دوستانه بین چین
و عرب قائم گردید و یک صد سال بعد از آن
تبتیان حمله بر چین نمودند و اسباب خوف برای
سلطنت عربیه هم روی داد ولی اعراب دولت چین را
تأید نموده تبتیان را خلج کردند سپاه عربی که
وارد چین گردید بعد از فتح تبت در چین توقف

کرده با زنان چینی ازدواج نموده نسل مسلمانان کنونی چین از همان اعراب است. هارون الرشید در ابتدای قرن نهم میلادی يك عده قشون مجدداً به تائید چین فرستاد بعد از جنگ بسیار در سال ۸۴۱ میلادی بین تبت و چین صلح واقع گردید، و قشون اسلامی که بچین وارد شده بودند در صوبه (یون) توقف کردند، در قرن سیزدهم میلادی مانع بزرگی برای اشاعه تہذیب اسلام که در آسیا رونق بسزا یافته بود پیدا گردید یعنی جنگیز خان برانگیخته آمد و رونق اسلام را در هم شکست - در عرات، بخارا، سمرقند، بلخ، بغداد و غیره صدمه عظیم بمسلمانان زد ولی بعد از مردن جنگیز جانشینان وی مارگو خان و قبلی خان به تائید و سرپرستی مسلمانان قیام نمودند، قبلی خان موسس خاندان (تابوان) بود که از سال ۱۲۶۰ تا ۱۳۶۸ حکم فرمائی نمودند. در این دوره نیز مسلمانان زیاد وارد چین شدند نه تنها مسلمانان در دو اسم مذهبی خود آزاد بودند بلکه با کمال عزت و احترام و توفیر و اعتماد بر آنها می نگریستند و خطاها و مناصب بزرگ بآنها عطا میشد. در آن ایام گروه گروه از روحانیین و علمای اسلامی بچین وارد شده روحانیت و آداب معاشرت اسلامی در چینیان ترویج می یافت و بسیاری از جماعت ترکان و ایرانیان سرملکت چین سکونت اختیار نمودند اینک مسلمانان چین خیلی کم باستعمال تریاک و افور عادی اند، زبان اسلامی چین ابدأ استعمال تریاک و افور نمیکند - مسلمانان چین معروف اند به (هوئی هوئی) و رابط و تعلقاتشان با چینیان مثل روابط و تعلقات مسلمانان با هندو در هندوستان است -

مسلمانان چین از شامیدن شراب و خوردن گوشت خنزیر امتناع دارند، از جایی که چینیان آب می گیرند مسلمانان نمیگیرند. مسلمانان چین در طرف چینیان بمناسبت اینکه استعمال گوشت خنزیر می نمایند استعمال نمیکند. مسلمانان چین کال هوئیاری را در کسب و تجارت بکار می برند فقط نقیصه که دارند در عمل زراعت است، عموماً مسلمانان شغل صرافان و سرای داری را پیشه ساخته اند و بشر معاشرت شان با همدیگان خودشان است و مسلمانان را از چینیان افضل و بهتر میدانند -

مسلمانان چین علاوه بر این که خوش اخلاق اند قوای جسمانی آنها هم نسبت به چینسواپان بهتر است و ملازمت لشکری را به کشوری ترجیح می دهند، زبان مذهبی آنها تا کنون عربی است - مسلمانان چون نظر بر مراسم چین پرستش پادشاه مجبورند ولی میگویند که ما بظاهر پرستش میکنیم ولی در باطن توجه ما بدیگری است - در پیشگاه اواح سلطنتی خم میشوند ولی نمی بوسند چه بوسیدن را مخصوص بشناث آئینه قراردادند - اصول، زواجت و مدافعت آنها هم برخلاف چینیان است دختران بودائی را عروسی میکنند ولی دختره بودائی نمی دهند - وزنهای اسلامی مجاز نیستند باستعمال کتشی های آهنی و از ذبایع گوشت های که در اسلام حلال است میخورند - با اینکه مجبورند بگذاشتن کاکلی ولی در زیر کلاه خودشان مشور میدارند - در مدارس رسمیه چین برای تسلیم مسلمانان شرکت می نمایند ولی مدارس مذهبی آنها از موقوفات و اعانه مسلمین است، دو مقامیکه مسلمانان زیاد نیستند مدرسه مذهبی در جانب مسجد قائم نموده اند در نقاطیکه اسلامیان بسیار اند مدارس بزرگ برای کسب معیشت هم دارند - در صوبه یون مدرسه ملی عدیده از مسلمانان دایر است، نورات تہذیب و تمدن به آنها می آموزند - در صوبه کانسو مسلمانان مدارس زنانه دارند مسلماتشان هم تمام زنان مدارس اسلامی در شرقی چین و در سرحد تبت هم موجود است همین قسم که مدارس زنانه علیحده است مساجد زنانه هم جدا گانه میباشد که ملای زنانه برای خود شان دارند

در سال ۱۶۴۸ میلادی مسلمانان در صوبه کانسو انقلاب نمودند و فرمانفرمای صوبه شانی آن انقلاب را فرو نشانید، دو سال بعد از آن در کانسو باز انقلاب شده بسیاری از مسلمانان را مقتول ساختند در سال ۱۷۳۷ که شهنشاه بونگ چین حکم داد که بواسطه ترقی زراعت گاو نکشند مسلمانان بلوا نمودند، در چین از عهد قدیم گاوها را برای زراعت عزیز داشته و نسل آنها را زیاد می نمایند و در چین استعمال شیر و آنچه از شیر بعمل می آید مروج نیست، چینیان ذبح گاو را مزاحمت نموده دولت هم نیرسشی ممنوع قرار داده است، این

انقلاب هم بعد از صدور يك فرمان تشییع بخش شاهانه
و فتح گردید

مسلمانان مجدداً در سال ۱۷۸۵ و ۱۸۶۲ بلوا
نمودند و این بلوا تا سرحد منگولیا رسید ، ولی
در سال ۱۸۷۰ موقوف شد - انقلابی را که حاکم
چین یعقوب بك در تركستان نمود دولت شاهی و
دوتین انگلیس و روس بستند قرار داده تسلیم
نمودند ، و در سال ۱۸۷۴ لارڈ نارتھ بروك سردكلس
فروستنه بدربار یعقوب بك فرستاد ، و در سال
۱۸۷۷ مجدداً قشون چین و تركستان قبضه نمودند
و استمه این بلوا ها آزادی مسلمین در چین محدود
شد و حقوقی که برای آنها بود موقوف گردید
(جبل المتین)

اینك كه انقلابات چین رسوم قدیمه منحوسه را
مرتفع داشته حقوق تساوی بین اهالی قلم گذارده
مسلمانان چین روز افزون ترقی کرده و حقوق از
دست رفته خودشان را حاصل خواهند نمود یعنی
هن حقوقی را که چینیان دارايند مسلمانان هم دارا
خواهند گردید . برای ترقی اسلام در چین انقلاب
كنونی خیلی مفید واقع گردیده است افسوس که سایر
و مسلمانان هیچگونه توجه و تعلق رابطه با برادران
اسلامی خود شان در چین حاصل نمی نمایند . برای
ترویج اسلام و ترقی دین حنیف مملکت چین بهترین
میدان شناخته شده هر گاه مسلمانان و تعلیم
یافته گان اسلام که واقف بمواقف عصر و مطامع
مقتضیات زمان باشند جماعت اینار نفس نموده برای
ترقی اسلام و مسلمانان چین مملکت آسمانی بروند
كان این است که اسلام را در آن مملکت رونق
بلا کرد . عده مسلمانان چین اگر چه رسماً
تا کنون معلوم نه گردیده ولی از قراین تاریخیه و
فیافه جغرافی چین کمتر از بجه میلیون نیستند و چون
اسلام در چین به شمیر وارد نشده اهالی چین
میباید از مسلمانان متصور نیستند و این نکته برای
ترویج اسلام در چین کمال موزونیت را دارد

از سوی قصد های مشهور

(نسبت به عبدالحمید)

(عمیر ۶)

شاگرد هم آنچه را استاد بیان کرد ابراز
نمود ، از آن بعد غریبوری خیاط را حاضر نمودند

نجیب ملحمه پرش نمود
ارتسیدی نام کجاست و از حالات آنچه اطلاع
داری ؟

جواب داد که از حالات او مرجه اطلاع دارم
اینست که چند ماه قبل به (آن) رفت بعد شنیدم
که فوت شده بعد از آنهم باز ارتسیدی بدکان من
میامد حتی چند دست هم وخت برای خودش
سفارش و درست کرد آیا اسمش را بدفتر خودت نه
نوشتی ؟

بلی نوشتم

چه بود ؟

اگر چه من ارتسیدی نوشتم اما مشارالیه باین
اسم اعراض نموده و گت آلتونس بنویس گویا
این دو نام يك معنی داشته اند

وقتی که رختش را درست کردی یکجا فرستادی ؟
من فرستادم ارتسیدی خودش آدم فرستاده و برد
چند روز میبود که ارتسیدی را ملاقات نکرده ،
بالاخره ده روز میشود که ندیده ام

در حق این جوان کوسه اطلاع دیگر هم داری ؟
نه ، فقط همیشه در گفته بود که بدرش از اهل
بادکوبه بود و دعوا کرده و باسلامبول آمده است
نجیب پاشا امر داد که غریبوری را آزاد بکنند
بعد کسیکه رختها را از دکان غریبوری برده بود
داخل اطاق گردید . نجیب ملحمه خطاب کرد

لووکی آیا غریبوری خیاط رامیشناسی ؟

بلی حضرت پاشا میشناسم .

یکدست رخت ارتسیدی را از دکان مشارالیه
گرفته و برده - بگو به بیم یکجا برده ؟

بخانه خودش بردم

خانه اش در کجاست ؟

در يك اوغلی محله (ترلاماشی) در کوچه
(پیشکری) در خانه منروش نمبر ۱۲ : رئیس
فوراً از اطاق بیرون شده و پس از ده دقیقه
برگشت و بعد حسب الامر نجیب ملحمه پورکی را
به توقیفخانه فرستاد و از احتیاط هم منع نمودند ،
ماحمه برقنای خودش

حالا مشله مشکل را حل نمودیم اطلاعاتیکه
پورکی جمال با داد خیلی قیمت دارد - اعضای
هیئت از سخنان رئیس چیزی فهمیده و گفته

چگونه برپاست وجه طور حل مشکل میشود؟
در برنو کواهی جمال اقا شکاه سید لوی بویچی را
پیدا کردم

آره این چه اهمی دارد و از دانستن
حل اقامت مشارالیه چه سودی خواهد داشت
آیا میدانید چند دقیقه قبل برای چه از اطاق
بیرون رفته و برگشتم؟ یک نفر کومیسر و دو نفر
پولیس به یک اوغلی فرستادم که در کوچه پیشکرجی
در خانه نمبر ۱۲ اجرای تخریبات بکنند

از اعضای هیئت تحقیقه یککتر پاشا که خودش
تسومند بود رئیس خطاب کرده و گنت - حضرت
پاشا مرا خواب گرفته و پیش از این نمیتوانم
منتظر شده و بنشینم با رخصت شما میروم استراحت بکنم
اما چند نفر دیگر هم هستند که باید استفسار
آنها گرفته شود و مجبوریم که آنها را نیز استجواب
بکنیم ، چرا که فردا باید به اعلیحضرت همایونی از
تحقیقات خودمان اطلاع بدهم

خیلی خوب نصبح می نشینم !

نصف شب از شاطه سرای بازده نفر پولیس و
ژندارم و کومیسر و ختیه که از یلدیز آمده بودند
به تلاش کوچه پیشکرجی نمبر ۱۲ رفتند . صاحب
خانه مادام (مرسینا) فوراً از رختخواب بیرون
آمده و در حالتیکه نیم عریان بود گنت
چه می خواهید ؟

کومیسر جواب داد - مادام اینجا یککتر
آرتسیدی نام اقامت دارد .

خیر . اینجا آرتسیدی نام کسی نیست ،
به بخشید ما دام ، ما همه چیز را میدانیم و
به موجب اراده سنیه خانه شما را خواهیم گشت
نه نه ، من نمیتوانم درین دل شب متاجرین
خودم را سراسیمه بکنم .

خواطر جمع باشید مادام ما هیچ کسرا سراسیمه
نکرده و با کمال آرامی در ظرف چند دقیقه وظیفه
خودمان را انجام میدهم

بارخصت ما دام مرسینا ، کومیسر با رفاقت چند
نفر پولیس از پله کانه بالا رفته به اطاق سیلو بویچی
داخل شدند . اطاق خالی و تنها کاند باره هائی
پاشیده شده بود . کومیسر با کمال اهتمام کاغذ هارا

جمع کرده صاحب خانه مادام مرسینا و شکری افندی
نام را هم برداشته به یلدیز مراجعت نمود
نجیب ملحمه کاغذ پاره هارا در مد نظر خود
گذارده و دید که همه اش متعلق به کویفنگری است
هیئت تحقیقه ، بعد از نیم ساعت دیگر شروع
به تحقیقات کرده اولاً

شکری افندی یکی از مامورین اداره روزنامه
(لوانت هیرالد) که در متصل اطاق سیلو بویچی
اقامت داشت داخل سالون شدند . نجیب ملحمه
مشارالیه خطاب کرد -

شکری افندی ، شما آرتسیدی کوسه را میشناسید؟
بله ، حضرت پاشا بنده آن کوسه را میشناسم ، اما
اسمش را آنونس میدانم -

بسیار خوب آنونس باشد . بگو به بیم چه
اطلاع از مشارالیه دارید ؟

من هیچ در حق مشارالیه نمیدانم . اگر چه
سه ماه در یکخانه نشستم اما مطمئن باشم که یکروز
به من سلام هم نداد .

آیا ممکن است که سه ماه اسان با یک نفر در یک
دائره نشسته یکدیگر سلام ندهند ؟ چیز غریبی
است ؛ شکری افندی شما از اداره جریده هستید
محررین دروغ نمیگویند -

استغفرالله ، حضرت پاشا بنده دروغ حرف
نمیزنم ، باز تکرار میکنم که من قطعاً با کوسه
ملاقات کردم و علاوه براین او زبان یونانی حرف
میزد که بنده آن زبان را نمیدانم .

از کجا میدانی که یونانی حرف میزد ؟ معلوم
میشود که حرف زدند ترا شنیده .

خیر ، حضرت پاشا - بنده حرف زدتم را
نشیدم فقط صاحب خانه به من گنت که مشارالیه
یونانی حرف میزد و ما یککتر جوان گونا گونا گونا
تسومند که اکثر اوقات بملاقاتش می آمد مدتها
دوب اطاق را بسته محرمانه با یکدیگر حرف
میزدند و بنا بروایت صاحب خانه ، آنونس هنوز
بمحل مذکور نیامده در کوچه (لاله) در
یکجا اقامت داشته اند . روزی آنونس پیش
مادام مرسینا آمده یککتر زنت که زوجه یکی از
متاجرین مادام مرسینا بود بمادام مشارالیه معرفی

کرده و میخواست بکافک برای کرایه بکند و مادام مرسینا بسپورت مشار الیه را معائنه کرده و دیده بود که اسمش آتیدی و جنس اش ایتالیان است

اقتباسات

جراید انگلیسیه مینویسند: وقعه مشهد علمای ایران را قسمی بیجان آورده که خوف بلوای عمومی بر خلاف تمام اروپائیان میبود و از اثر رئیس المجتهدین طهران آقا سیدعلی حائری الیزدی را دولت از خوف آنکه مبدا حکمی برخلاف مصلحت صادر نماید توقیف نموده است. علمای بزرگ عراق عرب را وقعه مشهد مهوت ساخته چه دولت آنها را به تنگنارفت خوب و نرم از کاظمین بر آرز خودشان متفرق ساخت که روابط حسنه بین روس و ایران برقرار آمده و کاملاً مناقشات رفع و اصلاح شده است. هائروزی که آقایی متفرق شدند دولت روس این حرکت را در خراسان نمود

روز نامه منچر می نویسد روس از بخارستان گنبد امام رضا جز هیجانات مذهبی اسلامیات و موقع بافتن خود غرضی نداشت. چه اگر فرض شود قصدش هم متفرق ساختن متحصنین مسجد و صحن بود آنها که بالای گنبد بودند و حالانکه مخصوصاً روسها توبه‌های خود را شاه به گنبد گرفته بودند

دبی کراییکل مینویسد حمایت روس از سالارالدوله و نگاه داشتن محمدعلی در ادبیه دالاست بر اینکه روسیه نمی خواهد بگذارد دولت ایران قوتی حاصل نموده امنیت برقرار گردد

شمس می نویسد مسیو مورنارد خزانه دار ایران سخت بای کتبی را با کابینه گذارده سنیر روس هم منهای همراهی و بوی میباید حتی او را در دادن امتیازات عالیله مجاز جلوه میدهد. مسیو مورنارد اظهار داشته که من احکام کابینه را بدون اخصواب سفیر روس نمیتوانم به پذیرم و چون کابینه داران اعماد و دیانت عالی نیست ذمه داری آنها را قبول نتوانم کرد

(حبل المتین)

هر که گریزد ز خراجات شاه
باو کن غول بسیار شود
روزنامه المعزی می نویسد که قتل مسیو فرم خان

سردار باسازش بسیار عمیق واقع گردیده و وسیله از زمانیکه فرم خان در گیلان قیام نمود و بطهران آمد مکرر در صدد اخراج وی بود عاقبت بدست ایرانیان مقصود خویش را انجام داد. در این سفر آخری که مسیو فرم خان خواست بمقابله سالارالدوله برود بازم یکنقار نازه بین همراهان او و بختیاریان انداخته آمد تا جائیکه بعضی بختیاریان از اردوی علیحده شدند. در تاریخ انقلابات ساثرملین هم مردمان شجاع خیلی پیدا شده اند ولی کفر بیایه فرم خان رسیده بودند

مسئله سرحد بندی ایران و عثمانی که رجوع به کیسیون شده تا کنون تصفیه نیافته بلکه میتوان گفت شروع بکار هم نکرده اند. زیرا سندات و دست آویز هائیرا که ایران باید به کیسیون پیش بیاورد تا کنون باسلامبول نرسیده است. عثمانیها خیلی مائل اند که مسئله تصفیه حدود بمجلس حکمیت لاهی نزود و کوشان هستند که هر قسم باشد در اسلامبول تصفیه یابد. زیرا که یتیم دارند اگر به هیک فرستاده شود صرفه برای آنها نخواهد داشت.

قرقانات روس به فرقه از ایل شاهسون حمله کرده صد نفر آنها را مقتول ساخته است از روسیان فقط چند نفر مقتول و مجروح شده اند. مجلس السلطان در آذربایجان مجدداً به بغاوت برخاسته دولت جلوگیری او اقدامات جدی کرده است روز نامه ویلز مینویسد امروز حکومت ایران بدون مانع به بختیاریان مسلم آمده دولت الدوله قشقائی که مخالف آنها بود قدرت خود را باخته و ایلخانی جدید قشقائی دست نشانده بختیاریان است و اگر بختیاری وقشقائز از صمیم قلب متحد شوند هیچ قوتی در ایران جلوگیری از آنان نتواند نمود بتدایر حکیمانه و نصایح مشفقانه ناصر الملک نائب السلطنه مناقشه که بین سردار ارفع و بختیاریان بود مرتفع گردید. اگر بین بختیارها و سردار ارفع اتحاد سیاسی پیش آید ممکن است یک قوت بسیار قوی در جنوب تشکیل شود که آینده ایران را محفوظ تواند داشت سالارالدوله بملاحظه اینکه روس و انگلیس عملاً

او را از اقدامات باز نتوانند داشت تمام توجه و کار روانیهای خویش را در حصه بیطرف قرار داده. میگویند که والی پشتکوه هم طرفدار سالارالدوله

است ولی این افواهی است که سالارالدوله انداخته و والی از اطاعت اوامر دولت تمرد ندارد
افغان سویدی درشراز سی بلیغ در تشکیل
زنداری دارند چون اقدامات آنها منافی با خیالات
بیگانگانست هم مانع داخلی برای آنها میباشند و هم
جزئی زدو خوردی که برای تنبیه اشرار بندوبسته
زنداری میشود با منهای آب و تاب در خارج
اشاعت میدهند، و حال آنکه مسلم است تا وقتی که
زنداری با اشرار زد و خود نکند تنبیه آنها و
امنیت مارق ممکن نیست.

انجمن ایران در لندن برای اطاق فاضل تحریر
علامه شهر پروفیسر بروث مستشرق معروف
بریاست آقای مشیرالملک وزیر مختار دولت
ایران تشکیل یافت - رئیس شرحی از خدمات
ذقیمت مطلق موصوف بیان نمود و پروفیسر معظم
فلق خود را در ادبیات ایران محدود داشت؛
یکی از دلائل میگوید اگر ایران قبل از
آنکه شخصاً از عهده کنترل راه آهن و ضمانت
آب بر آید هرگاه امتیاز به خارجه دهد تقسیم
آن مملکت حتمی خواهد بود.

والا حضرت ناصر الملک مصمم رفتن به اروپا
بود جمیع طبقات خاصه علمای ایران قسمی ساجت
نمودند که ایشان را از حرکت باز داشتند، والا
حضرت ناصر الملک مکرر به وزرا اصرار نموده در
انتخاب وکلاء مجلس ولی اختیار از کف او بیرون است
و وزرا ملاحظاتی چند تملل در انتخابات مینمایند،
رسماً وزرای ایران اظهار داشته که دولت
مخالف با حزب دموکرات نیست فقط اشخاصی
که محرماً گرفتار نموده تا در مصالح بولتیکتی بوده است
نه مخالف با فرقه دموکرات

اخبارات انگلیسی مینویسند که تمام هم کابینه
صرف دلجویی روسیان میشود چون وزیر خارجه
روس مسیو سزانوف علناً مخالفت خود را با
حزب دموکرات ظاهر داشته کابینه هم بدوهای
دموکرات را گرفته که در انتخابات جدید
شامل نگردند

روزنامه ویلزمی نویسد که کابینه ایران ندارد - هر
میکنند اگر مجلس را همان ایام متوج میداشت
مسئله سالارالدوله تا این پایه اهمیت پیدا نمینمود
وقتی خراسان هم خیلی سالارالدوله را تقویت داده و
هرگاه جنیدی دیگر انتخابات مجلس بطول انجامد تابع
ملت عموماً بطرف سالارالدوله و امثال آن رجوع
خواهد شد و آنها هم از این نکته فائده خواهند گرفت
و عهد نیست که برای جلب قلوب عامه سالار دعوی
انتخاب مجلس را بجا

شکست فرما فرما از سالارالدوله عمدی
بوده چه عده قشوق او زاید بر همراهان
سالارالدوله بوده است و نیز قورخانه و توب خانه
را که او داشت سالارالدوله نداشته، نظر بر اینکه
روسیان اصرار زیاد فرستادن فرما فرما در مقابل
سالارالدوله داشتند تصور می توان کرد که فرار
فرما فرما بنا به فهایشات روسیان باشد.

مسیو مورنارد بلژیکی خزانه دار که قبض بر
کلیه مالیه ایران است، در مصارف لشکر کشی برای
جنگ گیری سالارالدوله منتهای تملل و تسامح را مینماید،
ایشم گویا از ستارشات نمایندگان روس باشد

کابینه ایران مجدداً درخواست استقراری
سنارتین روس وانگلیس داده و قرضه تازه موضوع
بحث آمده است، ویلس مینویسد که این قرضه بزرگ
است. برای دو بیست هزار ایره آن شرائط مهم را
ایران قبولانند، معلوم نیست که برای این قرضه
بزرگ کدام شرائط را به ایران پیش خواهند
نمود. مظنون است که امتیاز راه آهن یکی از
شرائط این استقراری قرار گیرد (حیلاتین - در
قبول یاد داشت سنارتین وزرا چنین شرط کرده
که این قرضه مقدمه قرضه بزرگی است که
من صد خواهد شد و فقط دارایی دو شرط
خواهد بود، اول ضمانت دوم تأمین سود، شرط
دیگر نخواهد داشت، امیدواریم وزرای مایلی بند
به این رای خود باشند و شرط جدیدی را در
این استقراری منظور نه نمایند و مسئله راه آهن
را باز بجه نه ندارند که مسئله حیات و نجات ایران
بشمار است و اگر بی گذار به آب زمین تقسیم ایران
در امتیاز راه آهن حتمی خواهد بود)

لارد رونالدشی مکتوبی روز نامه نیرایست لندن
نگاشته در آن مکتوب مینویسد که مسلمانان هند
از حادثات و واقعات ایران و خوشی دولت انگلیس
کمال بر افروختگی و تراضی را پیدا کرده اند -

وحید الملک را باین شرط رها نموده اند که
در عرصه بکشته ترک ایران گوید، حسین قلیخان
نواب را هم قرار شده که تذکره داده از ایران
خارج شود

نائب السلطنت مکتوب به هیئت کابینه نوشته اصرار
نموده است که باید قبل از حرکت من که بازدم می
قرر یافته انتخاب وکلاء جدید مجلس به شود
(حرکت والا حضرت ناصر الملک جناحه اطلاع
یافته ایم موقوف شده است)

این مسئله زیر بحث است که برای تأیید کابینه
بک شورائی تشکیل یابد که بعضی از اعضای آن خارجه باشد
و نفر از وکلاء انجمن ایالتی تبریز را بحرم

دو کرائی دستگیر نموده اند

سال اول دولت تلگرافی به اهالی همدان بدین مضمون نموده که والی پشت کوه با من هم عهد و پیمان شده. لذا شہر است که برای پذیرائی و استقبال موبک هایون مایه مند و حاضر باشید

نیابت سلطنت فعلاً مصمم گردیده است که انتخاب وکلا در طهران و نواح و آن بلادیکه امنیت برقرار است بشود و قز برای انعقاد مجلس سنا هم جدیت نامه دارد

در آذربایجان قشون دولت همراهان مجلای السلطان را شکست دادند

تا کنون بین دولتین انگلیس و عثمانی تصنیف آخرین حصه راه آهن بغداد نشده است. یعنی دولت عثمانی مجوزات دولت انگلیس را نپذیرفته. تخویر جدیدی پیش کرده است

لاردهنگین پنجم می وارد طهران گردید و بر حسب میل خود شان هیچ گونه پذیرائی و سعی از ایشان نشده است ولی دعوتی شیرینی قبول کرده خیلی از مهمان نوازی ایرانیان ممنون شده اند و عقرب از ضریق انزلی به اروپا و بسیار خواهند گردید در مقام شارجه کردستان فرما فرما شکست یافته قشون وی قبل از آغاز جنگ فرار قط ۱۵ نفر همراه او ماندند -

دولت ایران کردستان را از کروس گرفته تا قصر شیرین ایالت قرار داده و دارالاماره را همدان مقرر داشته است

انجمن هلال احمر ایران

یکشنبه دوم جوز سنه ۱۳۱۲ مطابق ۱۵ جمادی الثانی سنه ۱۳۲۰ انجمن عمومی - جنرال کیتی هلال احمر ایران در غیر ۴ مدیکل کالج استریت ریاست نائب صدر آبراهام غلام حسین عارف منعقد و مواد دہل بر حسب دعوت نامه مورخه ۲۱ ماه می سنه ۱۳۱۲ موضوع بحث آمده باتفاق آراء گذشت

ماده اول - انجمن دو کتر عبدالله المامون السهروردی جانت سکرتوری تحریک نمود و آقا سید عبدالواحد تأیید کرد که حادثه خراسان اثرات سخت بر قلوب عامه مسلمانان بخشیده خوب است که از طرف انجمن هلال احمر ایران استمانه نامه به عموم انجمن ها و روسای اسلامیہ فرستاده و تحریک شود که از حکومت عالیہ انگلیسیہ بخواهند تا نظر به دجوش و حفظ حقوق عموم مسلمین سعی جلوگیری از وقعه خراسان نمایند که در آینده انگونه حادثات پیش نیاید. و سعی فرماید که خسارات وارده بر مشہد را دولت روس تلافی نماید و اموالی که بشارت رفته و تلف شده عین یا

معاوضه او را بدهد خصوصاً کتب خطہ حضرت و قرآنهای ذیقیمت مخصوصاً قرآن خطہ حضرت رضا علیہ السلام را که یکی از یادگارهای مسلمانان است نگذاورد از میان برود

ماده دوم - آقا محمد کاظم شیرازی سکرتوری انجمن مرتضوی تحریک و جناب حکیم آقا شکوه نمایند نمودند که مجوزہ آل انڈیا شیبہ کافر نس را عموم مسلمانان بحرئ - دارند یعنی روز ۱۱ ربیع الثانی که وقعه اسلام سوز خراسان پیش آمده جمیع مسلمانان روز مصیبت قرار دهند

ماده سوم - به تحریک مؤید الاسلام و تأیید حاجی آقا بزوک کاشانی مقرر شد که ماده اول را بحکومت محلی و وزارت خارجه انگلستان پیش نمایند از آن بعد سکرتوری محاسبات انجمن را پیش نموده و مراسلات و رسیدیکه از بابت قسط اول که در تاریخ ۱۶ ربیع الاول فرستاده شده بود با حواله بانک شاهنشاهی برای تبریز پیش نمود و اظهار داشت که چون اوضاع تبریز لازم به بیان نیست همان قسمیکه وجوه اعانه امریکا و غیره بتوسط رئیس و کنش سن اسکول امریکا فرستاده شده اینوجوه هم به همان ذریعہ از طهران فرستاده اند تا از روی صحت مستحقین آن رسد - باتفاق آراء چنین قرار یافت که سکرتوری قسط دوم را هم هاتسم فرستاده و سعی نماید در وصول بقیه وجوه اعانه که سر به فرستاده شود - از آن بعد تشکر از صدر شده مجلس ختم گردید

(تلگرافات مهمه)

صد هزار نفر حالان لندن دست از کلوشیده بایش داده در حالی که پلیس زیادی حاضر ولی حرکات آنها امنیت بخش بود - این ماده را از اکثریت آراء گذرآیدند که یک ساعت خارج از اوقات معینہ کار یک شلنگ و چهار پنس اجرت مزدوری آنها معین شود

عمله جات ترسخانہ ژاپون نیز تلگراف همدردی خودشان را نسبت به عمله جات ترسخانہ لندن در ترک خدمت داده اند

روزنامه طمس می نویسد پس از مشوره رئیس الوزرا مسز اسکویت و مسز جرجل با لارڈ کچتر از مالکا به پردزد خواهند رفت آمدن آنها در این مقام برای تدارکات بحرئ خیلی اهم معلوم میشود برخی جرابد فرانسه چنین مینویسند که اتحاد سوق عسکری بین فرانس و انگلیس از این دو ممکن نیست که قشون بری انگلیس کافی عیباشد

طمس بیان میکند نبدیهای که در بحرئ دوم مد نظر گرفته شده این شیبہ را ندارد که دولت

انگلیس اقتدارات خویش را از بحیره روم مرتفع دارد و نیز مینویسد که روابط دوستانه فرانس و انگلیس اتحاد سوقی عسکری آنها را بعید نمینماید و بدین واسطه لاردیکتر در اوضاع مصر به لندن فرستاده دلالت میکند برکمال ترقی مصر و سودان نسبت به سال گذشته و نیز مینویسد که اغراضی که بولتیکی در مصر خیلن کم شده مردم بیشتر مستعد عملیات شده اند . لارد موصوف مسلمانان را متبیه مینماید که از تشنات بی اثر سیاسی باز آیند از اطراف در سودان جمع می شوند و مردمان قهر در سودان کیاب شده و در عرصه پنجسال آبادی سودان دو گونه خواهد گردید

بلوای خوست افغانستان

اعلیضرت امیر چهل قبل برای میدان جنگ خوست فرستاده اند . وقایع نگار اخبار پانیر از جلال آباد مینویسد که شون ایلاتی امیر وارد خوست شده با باغیانی رقه منکال و جدران زد و خورد سختی نموده از رفیق نقصان زیاد یافته اند - قشون منظم امیر اکنون در خارج خوست توقف دارد چه سامان حمل نقل شان کافی نیست از نیرو نمی توانند به اندرون وست وارد شوند . چون گرماشدت نموده با بوهای بی برای حمل و نقل خوب نیستند . لذا امیر ای حمل و نقل تدارک دیگر مینماید . جانشین ملا بی برای قهائش باغیانی خوست رفته بود ، بن بیجه و قائده به هده باز آمده است

بر حسب خبریکه از سرحد خوست رسیده ممکن است منافقه باغیان رفع گردد چه با سردار قشون لت افغان آغاز محاربه بصاغت شده است - ولی گرافیکه از بمبئی رسیده بیان میکند که فرقه بان خیل هم به بلوایان منکلی متحق شده است و قتیکه قشون منظم افغان وارد خوست شده از سختی بر حکومت خوست از بلوایان وارد شده است

بر حسب خبریکه بشماره رسیده جنرال نادر خان قشون بیاده ۱۷ تن در دره التهار رسیده اند این دره جوی از مخالفین شلزائی و منکال موجود قشون دولتی آنها را عقب نشانیده ولی مجدداً نین دره را بقبضه خود آوردند و جنرال نادر در آن دره موجود بود

بر حسب نکارش وقایع نگار سرحدی پانیر برای نشان قشون به خوست در کابل خیلی تملل شده و بر مبنی که امیر به جلال آباد نیامده تدارکی نشده بود

تذکرات راجع به اغلیات مراکو

میان مراکوشان بالا گرفته ، ایلات متفق شده

شبانه از سه قطه بر فیض حله نمودند و پس از یازده ساعت جنگ عقب نشسته و بسیاری از اعراب وارد شهر هم گردیدند و نده از مدافعین شهری مجروح شده اند ، سردار کل قشون فرانسه در فیض حکم داده که قشون کک به شهر بیاید

۲۷ می مجدداً هیئت متحده اعراب بر شهر فیض حله نموده جوی از ایلات وارد شهر شدند در این گیرودار یک افسر فرانسوی ، قشون و بی نفر سپاهیان فرانسه مقتول و مجروح گردیدند ولی از اعراب نقصان زیاد می نویسند

افواهیکه دیروز در قتل جمیع اروپائیان مقیمین فیض بلند شده بود جنرال لیاتی فرانسوی تردید نموده و بیان شده است که مهاجین بزبری با کمال شدت حله بشهر نمودند

بر حسب تلگرافیکه روزنامه طمس لندن از نتیجه رسیده بیست هزار اعراب مراکو شهر فیض را محاصره کرده اند و فقط قشون فرانسه در فیض شش هزار است

اخبارات متفق الکلمه مینویسند که واقعات فیض خیلی سنگین است ، وقایع نگار (مان) از فیض مینویسد که خطرات روز افزون زیاد می شود و احتمالاً ده فوج دیگر در کار است که فرانس بتواند بر بلوایان غالب آید - بقراری در عموم اهالی مراکو دیده می شود و در هر قطه اعلان جهاد داده اند

جنرال لیاتی در مراسله رسمی خود اظهار داشته که هزاران بزبری شب ۲۸ می بر فیض از طرف شرق شهر حله نموده اند همینکه از اهالی شهر تأیید بیساقه عودت کردند ، علی الصبح قشون فرانسه بر برریان حله بردند و کک از مقانیز هم قشون فرانسه خواهد رسید ، سلطان در بقراری امنیت تأیید مینماید جنرال لیاتی را وسای است فرقه بین ایلات بیاندازد

معلوم میشود که در حله بیست و پنجم می در فیض فرانسویان را نقصان زیاد وارد آمده است ، چنانچه ۴۲ از فرانسه مقتول شده اند

تذکرات راجع به عثمانی و ایتالی

رعایای ایتالی را از آسیای صغیر عثمانی خارج مینمایند ، تاکنون فقط از سمرنا پنج هزار ایتالیان را اخراج نموده اند ، اداره گمرکات امنه راجعه به ایتالی را ضبط می نماید

دولت اسول که واقع در قبرص است بین ترکان و یونانیان نزاع شدیدی شده از طرفین خیلی نقصان یافتند و همچنین در نکوسیا هم جنگ پیش آمده تمام شهر منقلب گردیده پلیس و قشون مشغول بقراری امنیت میباشند

بیش گزرت می نوبست هشت ماه است که مال التجاره ایتالی بایکوت شده و رفع این بایکوت هم بزودی مشکل است ولو اینکه بین عثمانی و ایتالی صاحب هم بشود از پس مسلمانان نفرت از ایتالی نموده اند تا مدتی بایکوت جاری خواهد بود و در کابینه هندوستان هم تا درجه این بایکوت سرایت نموده در ایران و افغانستان بایکوت امته ایتالی کاملاً جاری است و تجار افغانی و ایرانی سند میجوایند برای اینکه معلوم شود امتنه وارده از ایتالی نباشد. در پیش از مال التجاره ایتالی صدی پست کاسته مخصوصاً تجارت کلاه ایتالی در صدی پنجاه که شده است. در موسم گذشته فقط یک تاجر که تجارت کلاه ایتالی مینمود صد هزار روپیه نقصان نموده است و این امر ممکن است که برای همیشه به تجارت ایتالی نقصان وارد آید از افغانستان نود هزار روپیه باسم انجمن هلال احمر به بمبئی رسیده و توسط قونصل جنرال عثمانی (جنرلی) به اسلامبول فرستاده اند. اعلیحضرت امیر افغانستان اظهار داشته که باز هم اعانه برای انجمن هلال احمر جمع بشود

بر حسب خبریکه بروزنامه پانیر از عراق عرب رسیده برای تسقیه سه ملیون روپیه (ایکری) اراضی و حسب تجویز سر وایم ولکاکس سیزده ملیون و هشت صد و پنجاه هزار لیره خرج خواهد شد سبترکلاتی رئیس الوزرای ایتالی بوقایع نگار دیلی لرائیکل اظهار داشته که امید نمیرود که جنگ با عثمانی چندین بطول انجامد و هرگاه دولت عثمانی سر تسلیم بصلح خم نماید دولت ایتالی ضربتی سخت تر بر او وارد خواهد آورد

پادشاه بلغار فردینند با دو فرزندانش خودشان و رئیس الوزرا برای ملاقات امپراتور آستریا وارد وینا گردیدند و پذیرائی شایان از ایشان شد

در پارلمان روم رئیس الوزرا مسوده قانونی را تقدیم نموده که یک وزارت مستعمرات برای دولت ایتالی تشکیل یابد

نمایندگان جزیره کرییت بقصد شرکت در پارلمان یونان حرکت نموده بودند قشون یونانی آنها را اجازه دخول ندادند

تلگرافات راجعه بایران
فرمانبرمای کرمان اطلاع داده است که باغبانان شرکت یافته منتشر شده اند

تلگراف سالارالدوله دوپترسبرک بطریق غیر رسمی بدین مضمون اشاعه یافته که سالارالدوله این خواهش نموده که نیابت سلطنت کانفرنسی از رؤسای

ایلات و اعضای دولت و رؤسای کشوری و لشکری مذمذم نموده تا اوضاع مصیبت انگیز کنونی ایران را حل نمایند و اقرار میکنند بر اینکه بی بند و تفسیه کانفرنس خواهد بود. ولی هرگاه مجوزة او را دولت ایران قبول نکند با یک صد و پنجاه هزار همراهان خود پیش قدمی بجانب مهران خواهد نمود جنگ سختی در سرحد ایران و عثمانی قریب ارومیه واقع شد چهارصد سواران ترکی به سرحد ایران در (قطور) قرب ارومیه تجاوز نموده عدده زیادی از طرفین مقتول و اسیر یک دیگر شده اند

(حبل المتین)

باید دانست که این مناقشه از باشندگان سرحدی بوده و ملی بدولتین اسلامیشین ندارد. کبیسوت سرحدی برای رفع مناقشات در اسلامبول با کمال سرگرمی مشغول است و دولت ایران تا کبدات جدی نموده است که این گونه مناقشات در سرحد پیش نیاید و بر حسب تلگراف مخصوص ما این مسئله هیچ اهمیتی نداشته و ابداً مورد نظر دولتین نتواند گردید. این نیرنگ بازی را هم در اهالی سرحد دست های خارجی پیش آورده. امیدواریم که با بسالی هم مانند دولت ایران سی بیسیغ فرماید تا اهالی و قشون ساخلوی عثمانی در سرحد از حد خویش تجاوز نمایند. ورنه در این موقع نازک که دولتین در فشار بیگانگان اند هر دو زیان خواهند یافت و نفع آن عاید بدیگران خواهد شد

بر حسب تلگرافی که از طهران به پترسبرک رسیده قشون دولت بدون جنگ قبضه شهر کرمانشاهان نموده و سالارالدوله پس از شکست بجای غیر معلوم فرار کرده است

(حبل المتین)

این فتیح نمایان و روسپیدی دولت را هم قتل راه وطن سردار یفرم خان علت العطل بود و در حقیقت سالارالدوله پس از شکستی که از اردوی دولت به کاندانی سردار یفرم خان مقتول یافته که شرحش را هفته گذشته نگاشته بودیم دیگر نتوانسته است جانی درنگ کند. حق این است که در این قوت اخیر سردار شجاع و من خواهم غیوری مانند موسیو یفرم خان مادر ایران توانیده بود. دعای ما این است که مانند آن قلیل جوان مرد در مسلمانان هم پیدا شود. جای دارد که دولت و ملت ایران چنانچه هفته گذشته تحریک نمودیم یادگار عظیم الشان برای این سردار قلیل راه وطن قائم نمایند تا سبب تشویق و حال و سرفرازان دیگر گردد

توب بندی و مشهد

روزنامه معروف انگلیسی - موسوم به ایرایست شرق قریب (در شماره مورخه ۲۶ نisan فرنگی تحت عنوان (توب بندی مشهد) نقل از مخبر مخصوص انگلیسی خود مقیم مشهد مراسمه ذیل را انتشار میدهد :

مهمترین موضوع شایان توجه و جالب نظر عموم مسلمین شیعی مذهب و کل محبین ایران این ایام مسأله توب بندی روسها است بازگه عظیم و بیای جویی را که بعنوان (مزار مقدس امام رضاع) معروف علم است ، رایجی تقدیر خطارت امر و انتقال باهیمت و غضب حقیقی واقعاً انسان اولاً باید شده و نیده از اوضاع آن مسجد عظیم و بیای ، مزار زرین گنبد و هم از مقام آن در نزد اسلامی مسبوق باشد و بداند هر انگلیسی زبان که تلاقه و نظری در امور ایران دارد باید بته کتاب (اقتضار) شیعه ، تالیف میجر .

پ . م . م . س . س . م . ج . س . م . ی . س . س .
و احمد دین خوان را بخواند ، نیز سر باران روسی مدتی بسیار نادر معدود خیلی قدری از غیر مسلمین پیدا میشود که داخل این مسجد و رواق را دیده و بدانجا رفته باشد و میجر ساینس یکی از آت اشخاص است ، کتاب مذکور مشارالیه مانند جز اینها ، سحر انگیز ترین افسانه های خیالی خواننده میشود ، برست از ناید ترین اطلاعاتیکه آن اندازه که میدانم در هیچ جی دیگر پیدا میشود (يك مسجد ، شكوه)

مزیب باوز و الو بزرگ شر مشهد يك خيابان وسیع است که از شمال غربی تا دروازه جنوب شرقی تمتد میشود در وسط طول خود این خيابان وابسته مسجد عظیم گوهرشاد و مزار قبه ملادار به مرفه امام ناهن است قطع میشود . وهم چنین (خزانه) در آنجا واقع است که گنبد حاوی کبابی است که قیمتش بیش از يك مایوت لیره انگلیسی است وهم انبار های بزرگی است که نا بزاق و دخابر آذوقه برای اضمام حم شیر زوار در هر شاه بر میشود . هر سال لاقلاً پنجاه و شصت هزار زوار از تمام نام مسلمین شیعی این مزار را زیارت میکنند . در اوقات متعارفی من نیز

همیشه (خيابان بالا) و (خيابان پايين) بر از ازدحام است و درمیان آن گروه انبوه میتوان دید ملاهای محترم را با عمده های سفید و سفید های عمده سبز و درویشها از هر صنف و درجه و تاجرهای متمول و گداهای زیاد ، هم چنین ایرانیان و افغانان و اوزبکان و هندویان سحرانی و هندیان و قزاقیان و ترکان و تاتارها و مغولها را .

تاریخ این مشهد و مزار مشهور و معروف که در کتاب میجر ساینس ذکر شده مانند يك رومان و قصه شیرینی خوانده میشود ، این بنا یکی از برستگاهها و اماکن متبرکه و اراضی مقدسه و مظهر معجزات و کرامات عامه اسلامی است . قبه ملا مناره های ملا سحر های طلا و ایوان خلای نادر در های ملا و دروازه ها و غره کاریها و بولادکاریها که ملا ثابت شده و ناسمه کاریها و نظریات تجولات مسرفانه که از احجار کریته تشکیل میباشد و حلوه و لجان مرمرهای سفید که از ایات آذربایجان بدانجا آورده شده (یکمزار میل مسافت) سجده های حریر و سیم و سایر اسباب و مفروشات گرانبها همه اینها يك هیبت رفیع و قیمت بر اندازه این بازگه و بیای عظیم که مرکز تقدیس و تعظیم کل مسلمین شیعی مذهب است و هر سال هزاران زوار داود میبخشد ، شائزده مدرسه عالی تعلیمات دینی دارایی دوازده هزار خلاب از ایران و هند و تبت مربوط بین مزار است ، و هم در آنجا هزار و پانصد نفر طلبا مقیم اند ، علاوه بر سه هزار و پانصد نفر مام پسته و غزاداران (مقصود روضه خوان و خدام و زیارت نامه خوان و عمه موتی و غیره است . مزجم) و قبرستانهای بزرگیکه بقایای اجساد مردگان مسلمین از همه نفاضیکه زوار میآیند بدانها نقل و آورده میشود و در آنجا براحت ابدی سپرده میشوند . و مسلم است که آستانه ملاک ثروت عظیمی نیز از اموال غیر منقوله و املاک و سایر متعلقات و اموال است که آنها را خود اداره می کند .

حرکات روسها

در انصای هفته گذشته اوضاع سیاسی در مشهد يك سیر جار و سربری گرفته ، قوای نظمیه که خلع سلاح و حبس شده بود آزاد شده و مواجیشان